

برگزاری جشن اول ماه مه و مبارزات آتی کارگران و زحمتکشان ایران



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰۳ - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

در روز اول ماه مه، روز هبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان، میتینگها و راهپیمائیهای عظیمی در سراسر ایران برگزار گردید. در این مراسم باشکوه، که برای سومین بار پس از پیروزی انقلاب ضد

امپریالیستی و مردمی ایران برگزار گردید، درک عمیقتر و طسایف سیاسی، سطح ارتقاء یافته تر آگاهی زحمتکشان و ظهور اولین نشانه های تشکل وسیع صنفی - طبقاتی کارگران از نکات برجسته بود.

جهت مشترک در کلیه تظاهرات کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه، تکیه بر ضرورت ادامه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، به عنوان دشمن اصلی، و شماره یک انقلاب ایران بود. شعار «هرگس آمریکا» در کلیه مراسم اول ماه مه، از راهپیمائیها و میتینگها برجستگی خاص داشت. این بدان معنی است که، طبقه کارگران ایران عمیقتر از هر طبقه اجتماعی دیگر در جامعه ایران به عمده ترین وظیفه سیاسی روز واقف است و انجام این وظیفه را مهمترین خواست خود تلقی می کنند.

در لحظه کنونی، آشکارترین و گستاخانه ترین مظهر دخالت امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در امور کشور ما در تهاجم نظامی رژیم جنایتکار صدام انعکاس دارد. در تظاهرات پرشور کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه

بقیه در صفحه ۷

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

در زمینه تحکیم همه جانبه استقلال ملی

۱- پاسداری از تمامیت ارضی ایران، مهم ترین ضامن وحدت ملی همه خلقهای میهن است که در جریان قریب متعادی یا هم زیسته، با هم رنج کشیده و با هم برای حفظ استقلال این میهن مشترک جانفشانی کرده اند. حزب توده ایران هرگونه جدائی طلبی را زیر هر نام و هر عنوان محکوم می داند و عقیده دارد که خلقهای ایران در چهارچوب این وحدت بزرگ ملی به بهترین شکل می توانند به خواستهای به حق خود دست یابند.

۲- تحکیم استقلال سیاسی که از پی انقلاب به دست آمده و گسترش دامنه این دستاورد بزرگ تاریخی به عرصه های اقتصاد و فرهنگ و دفاع، به طوری که همه راههای بازگشت تسلط

بقیه در صفحه ۴

قانون را اجرا کنید!

دفاتر حزب توده ایران را بازپس دهید!

به عرصه عمل انتقال یافته است. حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود، همواره از انقلاب دفاع کرده، بسیاری توده ایها با شور فراوان جان خود را در راه انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران، فدا کرده اند...

در میان مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران برای اجرای قانون اساسی و تعیین حدود آزادی بر اساس مصالح انقلاب ایران است. اما وجود تصمیم، که باید با اجرای سریع و دقیق آن همراه گردد، هنوز توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران بطور کامل

آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، طی یک سخنرانی در روز کارگر، در مقابل نمایندگان اتحادیه انجمن های اسلامی کارخانجات تبریز در محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر، باردیگر بر ضرورت آزادی فعالیت کلیه گروههایی که در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نایستاده اند و علیه آن نمی جنگند، تاکید کرد. وی ضمن تقسیم گروههای سیاسی به چهار گروه، گفت:

«دسته اول آن دسته است که صریحا از انقلاب دفاع می نمایند و جان خود را در راه انقلاب فدا میکنند»

دولت جمهوری اسلامی موضع خود را در قبال این دسته مشخص کرده و از آنان قاطعانه دفاع خواهد کرد و همه گونه امکانات در اختیار آنان قرار خواهد داد. دسته دوم آن دسته است که موافق هستند و با دولت کاری ندارند و مزاحمتی ایجاد نمیکنند. اینها آزاد هستند که در چهارچوب قوانین مملکتی فعالیت کنند و موضع دولت در قبال آنها مشخص است. دسته سوم گروههایی هستند که با دولت مخالف هستند، اما صدمه ای بدولت نمی رسانند ولی با تظاهر و ریا خود را مدافع حقوق مردم میدانند. این گروهها تا وقتی که دست به اسلحه نبرده اند، آزادند ولی زمانیکه از چهارچوب قانون تجاوز کردند به شدت در مقابل آنها خواهیم ایستاد این گروهها می توانند دفتر و روزنامه داشته باشند اما با اجازه دولت.

دسته چهارم کسانی هستند که مستقیما با حکومت جمهوری اسلامی می جنگند. این طبقه کسانی هستند که با ما در حال جنگ هستند و ما با آنها خواهیم جنگید»

(کیهان، ۱۲ اردیبهشت ۶۰) اظهارات آقای بهزاد نبوی در واقع ادامه موضعگیریهای مشابهی است که طی هفته های اخیر، در پی انتشار اعلامیه دهمادای دادستان کل انقلاب، در مورد امر مهم آزادیهای سیاسی و حدود آن، از جانب مقامات جمهوری اسلامی ایران مطرح میگردد و بیانگر وجود یک تصمیم عمومی

اخباری بسیار مهم درباره اصلاحات ارضی

• نوپدی بر پایان یک نشیب تأسف بار
• روزنه امید برای اجرای بند «ج»

برچیدن بساط بزرگ مالکی، که از پایگاههای عمده امپریالیسم و ضدانقلاب در کشور ما و علت الکل ناپساندنیهای اجتماعی و اقتصادی در روستاها و روستاها و کشاورزی عدیده در رشد تولید کشاورزی است، با در نظر گرفتن خواست مردم و بحق که میلیونها دهقان ماهیست با وسایل مختلف آنرا بیان کرده و خواستار تسریع واگذاری زمینها شده اند، با در نظر گرفتن توطئه مشترک و همه جانبه ای که از جانب زمینداران بزرگ و سرمایه دازان کلان و ایادی و عاملان علیه قانون مصوب شورای انقلاب سازمان داده شد، و بالاخره با در نظر گرفتن این نکته که آقای بهشتی پس از دیدار با امام خمینی این نظریات را بیان کرد، اهمیت این سخنان و خیر روز چهارشنبه خبرگزاری پارس معلوم میشود.

انقلابیون متعدد و دهقانان زحمتکش مدتهاست گفته اند که قانون مصوبه شورای انقلاب را، که به تأیید سه فقیه منتخب امام خمینی رسیده است، باید بی چون و چرا و تمام و کمال و به فوریت اجرا کرد، تا یکی از بزرگترین گره های که در کار تکامل و شکوفایی جمهوری

خبری که روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۶۰، خبرگزاری پارس بعد از ملاقات آقای دکتر بهشتی با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران درباره سر نویشت قانون واگذاری زمین منتشر کرد، حائز اهمیت درجه اول است. خبرنگار خبرگزاری رسمی کشور از آیت الله بهشتی در مورد مالکیت زمین و اجرای بند «ج» - یعنی اراضی وسیعی که مطابق با ملاکهای رژیم سابق در تصرف بزرگ مالکان است - سؤال کرد. آقای بهشتی در مورد مالکیت گفت:

«این وظیفه مجلس شورای اسلامی است که در رابطه با قانون اساسی و شورای نگهبان قوانین لازم را تدوین و ابلاغ کند».

وی در مورد اجرای بند «ج» گفت: «این نیز از وظایف مجلس شورای اسلامی است، یعنی دولت و مجلس مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد و شورای نگهبان هم از نظر انطباق قوانین با موازین اسلامی وظیفه اش را انجام خواهد داد و طبعا نتیجه مطلوب خواهد بود».

با در نظر گرفتن ضرورت

تاسیسات نفتی فاو عراق به آتش کشیده شد

یک خودروی متجاوزین منهدم شد و نفرات آن کشته و زخمی شدند. در منطقه مرزی مریان، رزمندگان انقلاب مواضع دشمن در منطقه پنجویں عراق را زیر آتش گرفتند و ۱۰ سنگر گروهی دشمن را منهدم کردند. در این حمله تلفات زیادی به نیروهای عراقی وارد آمد. در منطقه گیلانغرب، نیروهای خودی حمله دشمن را دفع کردند و در ادامه این عملیات ۳ سنگر متجاوزان را از بین بردند و تعدادی از افراد دشمن را به هلاکت رساندند. در برابر حملات رزمندگان انقلاب، نیروهای متجاوز صدام باردیگر مناطق مسکونی آبادان را زیر آتش قرار دادند که خساراتی به خانه های مسکونی وارد آمد. در روز ۹ اردیبهشت ۶۰ نیز در جبهه های نبرد، ۱۹ تن از رزمندگان نیروی زمینی و ۲ تن از دلاوران ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، در راه دفاع از انقلاب به شهادت رسیدند.

شهادت یک رزمنده قهرمان

در تاریخ ۸ اردیبهشت ماه ۶۰، یکی دیگر از فرزندان قهرمان خلق انقلابی، سروان علی اکبر قربانی شیروندی، در نبرد با متجاوزان صدام حسین به شهادت رسید. وی که فرمانده خلبانان هلیکوپتر هوانیروز در جبهه های غرب کشور بود، طی پروازهای متعدد، ضربات خردکننده ای بر پیکر متجاوزان وارد ساخته و شجاعت و از خود گذشتگی وی در میان نیروهای مسلح ایران، شهره بود.

صدام با کمک قاسملو به ایران جاده نظامی میکشد

باند قاسملو بازم فعالیت های ضدانقلابی خود را در کردستان گسترش داده است. برخی از این اقدامات بشرح زیر است:

- باند قاسملو همچنان روستائیان منطقه بانه را به منظور تهیه سلاح و مهمات تحت فشار قرار می دهد.

- طبق اخبار رسیده، سید رسول دهقان (بابی گهره) عضو کمیته مرکزی، باند قاسملو و ملاصدیق یکی از مسئولین باند قاسملو در بانه، مرتبا به عراق می روند و با عوامل رژیم صدام حسین تماس می گیرند. گویا به پاسی خدمات شایان این مزدوران، صدام به آنها اسلحه کمری و کلاشینکوف هدیه کرده است.

- آموزش و پرورش منطقه بانه جدیدا اقدام به بازگشایی مدارس ابتدائی در تعدادی از روستاهای اطراف این شهرستان کرده است و به محض اعزام آموزگاران به این مدارس، باند قاسملو آنها را دستگیر می کند و علا از فعالیت تربیتی آنها مانع بعمل می آورد.

- رژیم صدام حسین از منطقه (چوارتای عراق) اقدام به احداث جاده نظامی به مقصد چومان منطقه مرزی (بیست کیلومتری غرب شهرستان بانه) کرده، که این عمل مورد تأیید دفتر سیاسی باند قاسملو قرار گرفته است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلامیه فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - تشکیلات خوی:

فعالیت حزب آمریکائی «خلق مسلمان» در خوی برای ایجاد تشنج و درگیری بالا گرفته است

تشکیلات خوی - فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در ارتباط با حوادث اخیر این شهر، اعلامیه‌ای منتشر کرد، که متن آن بشرح زیر است:

دو هفته پیش در خوی و مردم مبارز خوی! عوامل ضدانقلاب و وابستگان امپریالیسم آمریکا در پی شکست توطئه تجاوز صدام چنانیکار علیه میهن انقلابی ما، دست به توطئه وسیعی زده‌اند که مشخصه آن ایجاد هرج و مرج، تشنج، تفرقه و پالایه هدف آن براندازی جمهوری اسلامی ایران است. شهرستان خوی در این طرحهای ضدانقلابی از جای مخصوصی برخوردار است و میدان تاخت و تاز انواع و اقسام توطئه‌های خائنه قرار گرفته است. این اعمال ضدانقلابی در هفته‌های اخیر، بخصوص بعد از پخش اعلامیه‌های حسن نزیه در سطح شهر در ارتباط با سالگرد تصرف رادیو تلویزیون تبریز از طرف حزب آمریکائی «خلق مسلمان»، تشدید یافته است.

عوامل ضدانقلاب، ساواکیهای مزدور، بزرگ‌مالکین، سرمایه‌داران بزرگ وابسته، لیبرالها و گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی همه متحداً دست به عمل زده‌اند و عناصر به اصطلاح هارتس رهایی‌بخش ایران، نیز در منطقه خوی به فعالیت خود سرعت بیشتری داده‌اند. در این شرایط حساس برخورد بعضی از عناصر قشری و انحصارطلب نیز اوضاع را آشفته‌تر کرده است، بطوریکه در ارتباط با دستگیری محمد امامی، مسئول امنیت شهر خوی، به جرم حمل مواد مخدر از طرف شهرداری، شهر متشنج و بازار توسط افراد مشکوک به تعطیلی کشیده شد. اوج این وضع متشنج روز دوشنبه ۸ اردیبهشت ماه ۶۰ بود. در آن روز به دنبال پخش اعلامیه تحریک آمیزی توسط هواداران «سازمان مجاهدین خلق» در ارتباط با جریان امامی، درگیری‌هایی در سطح شهر روی داد، که دامنه آن به فرای آن روز نیز کشید.

در جریان این درگیری عده‌ای زخمی شدند و شهر به آشوب کشیده شد.

با توجه به مجموعه این مسائل، تشکیلات خوی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - از مقامات مسئول شهر جدا می‌خواهد که با هشجاری و قاطعیت توطئه ایجاد تشنج و درگیری ضدانقلاب را خنثی کنند و اجرای نقشه «هیگ» را، که هدف آن ایجاد جنگ داخلی است، با ناکامی روبرو سازند. ما ضمناً به «مجاهدین خلق» هشدار می‌دهیم که تا دیر نشده به خود آیند و حساب خود را از عناصر مشکوک و مائوئیستهای آمریکائی جدا کنند.

تشکیلات خوی - فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان

۱۳۶۰/۲/۱۴

سرمایه‌داران قیمت آهن را به سرعت بالا می‌برند

کمبود و گرانی بیش از حد آهن آلات صنعتی در بازار، موجب بروز مشکلات زیادی برای مردم شده است. آهن آلات صنعتی از قبیل تیر آهن، ورق سیاه، ورق سفید، ورق روغنی، تسمه‌سپری، نبشی، میلگرد و روفیل از جمله کالاهای پر مصرف و ضروری در بازار به شمار می‌روند، که اکنون به تنها کیباب هستند، بلکه هنگامی هم که یافت شدند، قیمت آنها بسیار گران است.

با اینکه وزارت بازرگانی برای شکستن قیمتها، برای هر ساختمان، در ازای دریافت پروانه، با نرخ رسمی، تیر آهن در اختیار مصرف کننده می‌گذارد، اما به علت عدم کفایت مقدار آهن دریافتی برای اتمام یک ساختمان، مصرف کننده مجبور است، برای جبران کسری این مقدار، به بازار آزاد روی آورد، و در بازار نیز با قیمتهای گمراه کننده روبرو می‌شود.

همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، ملی کردن تجارت خارجی و توزیع کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم توسط فروشگاههای دولتی و تعاونیها، از جمله اقدامات اصولی برای کوتاه کردن دست تجار بزرگ و واسطه‌ها از زندگی اقتصادی جامعه ماست، مسئولین امر باید با اجرای هر چه سریعتر این اصل مهم قانون اساسی، کمبود مصنوعی این کالاها را در بازار بر طرف سازند و قیمت آنها را به حد معقولی برسانند و با سودجویان مقابله کنند.

همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، ملی کردن تجارت خارجی و توزیع کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم توسط فروشگاههای دولتی و تعاونیها، از جمله اقدامات اصولی برای کوتاه کردن دست تجار بزرگ و واسطه‌ها از زندگی اقتصادی جامعه ماست، مسئولین امر باید با اجرای هر چه سریعتر این اصل مهم قانون اساسی، کمبود مصنوعی این کالاها را در بازار بر طرف سازند و قیمت آنها را به حد معقولی برسانند و با سودجویان مقابله کنند.

توطئه مائوئیستهای آمریکائی در مشهد

به دنبال گسترش حرکات ضد انقلابی در سراسر کشور، که زمینه‌ساز اجرای توطئه هفتم آمریکاست، عوامل ضدانقلاب و مائوئیستهای آمریکائی در مشهد، از اول اردیبهشت ۶۰، دست به تظاهرات موضعی در این شهر زدند و در چند نقطه درگیریهای

مشکل کمبود سوخت در بانه راحل کنید

کمبود سوخت و توزیع نادرست مواد سوختی مشکلات زیادی برای مردم بانه به وجود آورده است. در حقیقت می‌توان گفت که مدتی است که در بانه سوخت مورد احتیاج مردم در اختیار آنها قرار نکرده است. به همین دلیل مردم بانه از چوب‌های جنگلی استفاده می‌کنند، که این خود منجر به قطع بی‌رویه درختها شده است. کمبود سوخت و توزیع نادرست آن، باعث ایجاد نارضایتی‌هایی در بین مردم شده است، بویژه آنکه کار گرمابه‌های عمومی شهر با مشکل روبرو شده و گرایه حمل و نقل بالا رفته است. و این در حالی است که بعضی از افراد سودجو توانسته‌اند، با سوءاستفاده از شرایط و با بهره‌گیری از توزیع نادرست مواد سوختی، این مواد را به قیمت گزافی در بازار سیاه عرضه کنند. نمونه زنده این عمل ضدانقلابی و سودجویانه فروش حلب‌های ۲۰ لیتری بنزین به قیمت ۲ تا ۳ هزار ریال در بعضی نقاط شهر است.

البته با توجه به مجموعه شرایط و حساسیت این منطقه، کوشش‌های مختلفی را که از طرف مقامات مسئول برای تامین سوخت منطقه صورت گرفته است، نباید فراموش کرد، لیکن تردید نیست که از این وضع مستضعفین بانه بیشترین لطمه را می‌بینند. بر مقامات مسئول است که برای رفع این مشکل، با تکیه بر افراد دلسوز و متعهد و توزیع عادلانه مواد سوختی، بخصوص در فصل بهار، که هنگام گشت است، به این نارضایتی پایان دهند.

کیوسک نشریات حزب توده ایران در بوم برای چندمین بار مورد حمله قرار گرفت

برای چندمین بار، در طول دو ماه اخیر، کیوسک نشریات حزب توده ایران در بوم، در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه سال جاری، توسط عوامل ضدانقلاب مورد حمله قرار گرفت.

حمله کنندگان با استفاده از تاریکی شب، پنجره آهنی کیوسک را شکستند و تمامی نشریات، اعلامیه‌های حزب و پوسته‌های اول ماه مه را به غارت بردند. در زمانی که در بعضی از مدارس شهر، جو متشنجی حاکم است و هواداران حزب ما تمامی نیروی خود را در جهت حفظ آرامش و پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم ایران بکار می‌برند، جای بسی تعجب است که اینگونه اعمال ضدانقلابی علیه حزب توده ایران، با سکوت نهادهای انقلابی این شهر روبرو می‌شود. ما از نهادهای انقلابی، بخصوص سپاه پاسداران شهر بوم، می‌خواهیم که با بیگیری و مجازات عاملین این حمله، دست ضدانقلاب را کوتاه سازند و در سال حاکمیت قانون، مانع اجرای اهداف عوامل امپریالیسم آمریکا شوند.

زحمتکشان ایران در اول ماه مه، ضمن اینکه بیانگر هبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان ایران با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بود، در عین حال پدرستی نشان می‌داد، که قاطبه زحمتکشان ایران دوست و دشمن انقلاب ایران را خوب می‌شناسند و رفته رفته طرح شعارهای انحرافی و افشار کتری از آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این امر که کارگران و زحمتکشان ایران با سرعت پسرده تبلیغات دروغین امپریالیستی را شکافته‌اند و با چشم بینا به واقعیت‌های جهان می‌نگرند، از پیشرفت‌های عظیم انقلاب است. نشانه‌های روشن این پیشرفت در تظاهرات و مراسم اول ماه مه بوضوح دیده می‌شود. تظاهرات عظیم اول ماه مه در ایران را، نمیتوان تنها نمایشی از پیروزیها در دوران پس از انقلاب بشمار آورد. خصصت عمده تظاهرات کارگران و زحمتکشان در آنست که در آنها وظایف مهمی که جنبش سندیکائی و کارگری در پیش دارد، مطرح می‌گردد. مراسم اول ماه مه نشان داد که ضمن اولویت داشتن مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی، دفاع از

کارگران و زحمتکشان در ایجاد سازمانهای صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) و برخورداری از تشکلهای شورائی، بعنوان شعارهای اصلی، مطرح بود. امر اخیر بوضوح نشان میدهد که کارگران آگاه و هشیار ایران بدرستی توجه دارند که بدون تشکلهای عظیم صنفی - شورائی خروج کارگران ایران از وضع سخت کار و زندگی امکان پذیر نیست و شرکت فعال و موثر در حیات اجتماعی - سیاسی میسر نمیکردد. تظاهرات عظیم کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه همچنین بیانگر این واقعیت است که مخالفت با تشکلهای صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) و تشکلهای شورائی، مخالفت با منافع انقلاب و منافع وسیعترین طبقات و اقشار زحمتکش جامعه است. مخالفت با تشکلهای صنفی - شورائی کارگران و زحمتکشان، یعنی جلوگیری از تشکلی که می‌تواند عظیم‌ترین، نیرومندترین و توده‌ای‌ترین سازمانهای مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و مدافع حقوق و منافع زحمتکشان را در جامعه ایران بوجود آورد. تظاهرات عظیم کارگران و

نداشت. انجام این اقدامات اساسی به منظور تحقق تغییرات بنیادی اقتصادی - اجتماعی، در همه تظاهرات، راهپیمائی‌ها و میتینگ‌های کارگران و زحمتکشان مطرح بود. طرح خواستههای روشن صنفی - اقتصادی، از جمله شمول ۴۴ ساعت کار در هفته بر همه کارگاهها، برابری حقوق زن و مرد، جلوگیری از کار اطفال کمتر از سنین قانونی کار، پایان دادن به بیکاری، تدوین قانون مترقی کار و تامین اجتماعی، جلوگیری از خودسری کارفرمایان در استفاده از ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی و نظایر آن، در تظاهرات اول ماه مه برجستگی داشت. این بدان معنی است، که توده‌های وسیعتری از زحمتکشان، که در بدترین شرایط کار و زندگی قرار دارند، بیرکت پیروزی انقلاب و درهم شکسته شدن نظام طاغوتی، بیش از پیش به موقعیت خود در جامعه پی می‌برند و به ضرورت مبارزه بخاطر کسب حقوق قانونی خود آگاهی حاصل می‌کنند. در جریان تظاهرات عظیم اول ماه مه ضرورت تامین آزادی

بوغزاری جشن...

بقیه از صفحه ۱
آبادی کارگران برای فداکاری و کوشش بیشتر، چه در جنبه و چه در پشت جبهه، به منظور پایان دادن پیروزمندانه جنگ و طرد متجاوز، با صدای رسا اعلام گردید. تظاهرات عظیم اول ماه مه بیانگر این واقعیت بود که کارگران و زحمتکشان ایران به درستی جنگ صدام علیه ایران را توطئه علیه انقلاب فسد امپریالیستی و مردمی ما میدانند و با تمام نیرو برای شکست این توطئه کوشش کرده و خواهند کرد.

در جریان برگزاری تظاهرات عظیم اول ماه مه، پابلی اولویت شعارها و اعتراضات علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوز نظامی صدام، اعتراض به توطئه گران داخلی، بویژه بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران جلوه خاصی داشت. اجرای بند «ج» و «ه»، ملی کردن بازرگانی خارجی، مبارزه قاطع با گرانی و تورم از شعارها و خواستههای بود که در کلیه تظاهرات مطرح بود. طرح این شعارها اختصاص به گروه خاصی از کارگران و زحمتکشان

بوجود آوردند. بانه برگزاری این میتینگها، کشته شدن عده‌ای در درگیریهای اخیر قائم‌شهر است، و متأسفانه هواداران سازمان مجاهدین خلق نیز، در آن‌ها شرکت دارند. از روز ۷ اردیبهشت ۶۰ تظاهرات مائوئیستهای آمریکائی در مشهد شدت گرفته است و این در حالی است که عوامل گروهکهای با اصطلاح مبارز افغانی نیز دست به راهپیمائی در شهر مشهد زدند. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این توطئه سازمان یافته از آنها می‌خواهیم که قاطعانه با عوامل ضدانقلاب و مائوئیستهای آمریکائی به مقابله برخیزند. به «مجاهدین خلق» نیز هشدار می‌دهیم که حساب خود را از ضد انقلابیون جدا سازند و بیش از این اجازه ندهند که وسیله برای حمله به انقلاب توسط دشمنان انقلاب قرار گیرند.

گسترش قاچاق در منطقه سقز

بر اساس اطلاعات رسیده، عوامل سودجو و ضدانقلابی در سقز، با کمک باند قاسم‌ملو، مقادیر زیادی جنس قاچاق به عراق می‌برند این افراد با استفاده از جاده چابان - سقز به طرف جاده میروان - بانه و از طریق مرز سرشیو یا کمپرسی و مینی‌بوس مقادیر زیادی خشکبار به عراق می‌برند و از آن طرف صابون و پودر لباسشویی وارد می‌کنند. دارو دسته قاسم‌ملو نیز در مقابل گرفتن باجی که به نام «بارانه» می‌گیرند، در این کار ضدانقلابی شرکت دارند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول، از آنها می‌خواهیم که با این اعمال ضد انقلابی قاطعانه مبارزه کنند و اجازه ندهند که عده‌ای سودجو، با سوءاستفاده از شرایط حساس مملکت، به اقتصاد میهن مان لطمه وارد آورند.

آب آشامیدنی سقز غیر بهداشتی است

آب آشامیدنی شهر سقز از نظر بهداشتی غیر قابل استفاده و بیماری‌زاست. در آزمایشهای مختلف معلوم شده است که آب این شهر دارای ۵۳ درصد «کلی فرم» است، در حالی که میزان قابل قبول این عنصر در آب ۵ تا ۱۰ درصد است. پارسیدن فصل گرما و به علت غیر بهداشتی بودن این آب، میزان بیماری‌های مختلف، از قبیل اسهال و استفراغ، در سقز افزایش می‌یابد. از مقامات مسئول می‌خواهیم که به این مسئله توجه جدی مبذول دارند.

کارگران و زحمتکشان سازمان‌های صنفی آگاه آنان با تمام قوا برای نیل به تشکلهای واحد صنفی - شورائی خواهند کوشید. بجا و مورد ضرورت است که همه سازمانها و ارگان‌های انقلابی در این امر خلیلیر با کارگران و زحمتکشان ایران همراه باشند.

آنهايي که مي خواهند با اروپا عليه به اصطلاح ابرقدرت ها عقده اتحاد بنندند، چرا جنبش هاي آزادي بخش و خلق هاي "جهان سوم" را به صورت متحد طبيعي و واقعي خود نمي بينند؟ همين کافي نيست که درباره نيت واقعي آنها شک کنيم؟ بنيادي ترين مساله اي که از سقوط رژيم آمريکايي شاه تا امروز در دستور روز انقلاب قرار داشته و دارد، انتخاب راه رشد آينده است: پسه کجا خواهيم رفت؟ با چه کساني؟ و چگونه؟

اين تعيين کننده ترين سئوالی است که، تا پاسخ قانع کننده و قطعي خود را نيابد و به تحقق نرساند، آسيب پذيري انقلاب و زمينه و فضا ي مساعد براي ضدانقلاب باقي خواهد ماند.

آيا مي خواهيم استثمار افسار گسيخته و ريشه اصلي آن، مالکيت افسارگسيخته را به حال خود رها کنيم، تا در عوض شعارهاي رنگ وارنگ و فريبنده ليبراليسم و آزادي هاي ادعائي آن را محفوظ نگه داريم؟

آيا با آزادگداشته بزرگ مالکان ارضي، کلان سرمايه داران، تجار وابسته، محنکران، واسطه هاي بنگاه، گر، شبکه هاي احتيابي و توزيع کننده، انحصارگران کالاها و سازو بفرش ها، بر غارت آزادانه توده هاي ده ها ميليوني زحمتکشان صحنه خواهيم گذاشت، يا آزادي اين اقليت سيري ناپذير را در پای خواست ها و منافع اکثريت عظيم مستضعفاني که با خون و رنج خود نهال انقلاب را به بار آورده و با جان خود، صبورانه آن حراست مي کنند، قرباني خواهيم کرد و بدنيوسيله انقلاب را تثبيت، تحکيم و به پيش خواهيم راند؟

مسئله کليدي انقلاب سدد- امپرياليسمي، رهايي بخش و مردمی ايران همين جا است. سرنوشت آينده انقلاب ما در پيچايي همين گره نهفته است. نبرد در عمده ترين عرصه هاي اقتصادي، سياسي، اجتماعي، نظامي و فرهنگي، در اشکال متنوع و اغلب بفرنج، تا حد بسيار، بازتاب و تحت تاثير همين مبارزه است. در یک کلام: قلب انقلاب اکنون در اين کانون مي تپد.

انعکاس اين کشمکش و نبرد پنهان و آشکار، با همه نوسانات آن، در پهنه سياست خارجي کشور هم، با حدت و شدت به چشم مي خورد. انتخاب راه رشد آينده از ملتقاي مرز بندي دوستان و دشمنان انقلاب، نه تنها در صحنه داخلي، بلکه در صحنه بين المللي مي گذرد. اين که در داخل کشور چگونه مي خواهيم مسائل و وظائف انقلاب را در ارتباط با خواست ها و منافع اقشار و طبقات مختلف و ناسامگون اجتماعي حل کنيم، بلافاصله ايجاب مي کند که در مقياس جهاني تعيين کنيم که با چه کساني و عليه چه کساني هستيم؟

اين دو مساله، حلقه هاي یک زنجيرند. اگر چه اولي نقش مقدم و از نظر عيني، تعيين کننده دارد، اما به هيچ وجه نبايد به شناخت واقعي و تعيين دوستان و دشمنان در سطح جهاني کم بها داد. همانطور که لغزش و اشتباه، ذهني گري و پيشداوري، کم تجربگي و چشم بر واقعيات ملموس بستن، در اين انتخاب مي توانست انقلاب ما را در دنيا منزوي و در داخل به شدت تضعيف و آسيب پذير کند، انتخاب درست و مبتني بر واقعيات عيني در جبهه گيري هاي جهاني قادر است بر روند انقلابي در داخل کشور تاثيرات زرف بگذارد، آن را تحکيم و گسترش بخشد و به بازگشت ناپذيري آن منجر رساند. ندر به همين اهميت است که سياست خارجي ايران، به يکي از گرم ترين و مهيج ترين آورد- گاه هاي انقلاب تبديل شده است.

در صحنه سياست خارجي، از آغاز انقلاب، دو مني عمده، که در پشت هر يک از آنها يک نيروي اجتماعي خاص ايستاده است، با هم گلاويزند:

يکي از اين دومي، که خواست و افق ليبرال ها در آن معکس است، بر آنست که جاي ايران در

جغرافياي سياسي جهان در کنارجبهه سرمايه داري است، منتهاي امر اينست که، ما نبايد به صورت زائده و مستعمره سياسي و اقتصادي سرمايه داري انحصاري جهان در آئيم. ما مي توانيم عضو مساوي الحقوق اين جبهه باشيم. ليبرال ها با اين ديده گاه، که در حال حاضر مراد و مطلوب امپرياليسم جهاني، به سرکردگي امپرياليسم آمريکا، نيز هست، براي رشد آينده ميهن انقلابي ما راه رشد دردناک و بن دورنماي سرمايه داري را تجسوي مي کنند.

اما مني دوم، که آگاه است کشور عقب افتاده اي چون کشور ما، که ساليانديد بيچ و ميره زنگ زده اي از ماشين عظيم سرمايه داري جهاني بوده و هنوز هم همه رشته هاي مرغي و نامرغي که آنرا به اين نظام ستمگوي غارتگر و تجاوزگر بسته است، کاملاً قطع نکرده، در جبهه جهاني سرمايه، جز نقش زائده و اسب پنجم در شکه ني-

امپرياليسم آمريکا، روي وحدت ارگانیک و استراتژيک اين جهان خواران، که عليه غلبه کوجکي و بزرگي، به اقتضاي سرشت واحد خود، سرونه يک گرياسند پرده ساتر مي کنند، آنها به عمد نا- ديده مي گيرند که روابط ميان کشورها در بخش امپرياليسمي جهان، بيوند ماهوي خود را در چارچوب بلوک ها و اتحاديه هاي نظامي- سياسي، و بارزتر از همه در پيمان تجاوزگر "ناتو" متبلور کرده است. آمريکا ده ها ميليارد دلار در کشورهای متحد غربي خود سرمايه گذاري کرده و آنها را به بازارهاي داخلي خود وابسته ساخته است. شبکه هاي تو در تو مالي و اقتصادي و شرکت هاي چند مليتي، تارويود کشورهای گونه گون امپرياليسمي را به هم تنيده و تقسيم امپرياليسمي کار در مقياس بين المللي، آنرا از درون به هم جوش داده است. کوجکي و بزرگي نسبي اين پسا آن کشور امپرياليسمي، يک مسئله کمي است و

وقتي در عرصه همکاري هاي اطلاعاتي و جاسوسي، چين به اين قرايت با امپرياليسم جهاني و پيشتا- پيشتا آنها با امپرياليسم آمريکا، دست يافته باشد، مي توان دريافت که در اتحاد سياسي و نظامي با آنها تا کجا پيشتافته است. و اين تقدير فاجعه آميز، هشدار جدی و زنگ خطر موحشي است. براي آنهايي که هنوز در براهه- هاي مائوئيسم و تارهاي عنکبوتني ثوري هاي من در آوردي آن، دنبال نسخه شفا بخشي براي ملل محروم موسوم به "جهان سوم" مي گردند.

آيا آزمون خود چين براي زدودن و درهم شکستن اين توهم - اگر واقعا توهم باشد - به اندازه کافي کويي- نيست؟ وقتي خالق ثوري به چين- آخر و عاقبتی مبتلا مي شود، به چين- گوئي سرانجام تقلیدکنندگان والهام گيرندگان او نبايد چندان دشوار باشد.

مي کنند، مرزبندي کرد. و همين مرز- بندي ايجاب مي کند که نظريات، ثوري ها و رسوبات مائوئيسمي، به هر لباسي که در آيد، در پس هر آرايش و زکي که پنهان شود، در هر ثوري به ظاهر نويني که حلول کنند و با يکوشد به احياي خود بردارد، کشف و افشا شود. تنها با اين شيوه مي- توان در عرصه هاي مهيم از نبرد سياسي و ايدهولوژيک، به اين ياردزد و شريک کاروان، يعني در نهايت به امپرياليسم، زخم زد و آن را فلج کرد. اين روزها ما شاهد ظهور و تقلاي جلوه بظاهر تازه اي از جوهر مائوئيسم محتصر در ميهن انقلابي خود هستيم. نوآوران مورد بحث بر آنند که گويادر حال حاضر دؤ اروپا وجود دارد: يکي اروپايي که تحت حاکميت دولتمردان کنوني و وابسته به امپرياليسم آمريکا است و ديگري اروپاي مستضعفان، که حل مشکل خود را در استقلال جستن از "ابر قدرت ها" مي خويد.

مائوئيسم در صحنه سياسي ايران،

لباسهاي تازه ميپوشد

نظريه پردازان جديد، با طرح مساله به اين شکل، نسخه رهايي بخش خود را مي نويسند و بدست جهان بيمار و دردمند مي دهند: اگر ما به مردم اروپا حالي کنيم که محرومان به باري هم مي توانند از سلطه "ابر قدرت ها" بيرون بيابند، کليد حل مشکل زمان را بيديا کرده ايم.

اما چگونه مي توان اين نوش- داروي سحرآمیز را به خورد "مردم اروپا" داد؟ چگونه مي توان ايس "کليد" را در قفل مشکلات "زمان" به چرخش درآورد؟

نظريه پردازان مي گويند: بايد سايستي در پيش بگيريم که به يروهاي مترقي و استقلال طلب، که مي خواهند از سلطه "دوا بر قدرت" رهايي يابند. امکان داده شود که در کشورهای اروپايي حکومت را بدست بگيرد. نظريه به ظاهر جديد از اين حد با فراتر نمي گذارد. و نمي تواند بگذارد. به محض آن که "کلي گوئي" به توضيح و تشریح خود بپردازد، ار همان بيغوله "ثوري به جهان" سر مي آورد و چه خواهد، چه خواهد، مثل در و تخته با آن جفت مي شود. چگونه؟ به چند دليل:

اين ثوري تا همين جا هم نيمي از دم خروس را از جاک قبای خود بيرون انداخته است. بنياد اين ثوري بر ضرورت "استقلال اروپا" از به اصطلاح "دوا بر قدرت" است. درحالي که نظريه "دوا بر قدرت" ريشه و خون ثوري مائوئيسمي "سه جهان" را تشکيل مي دهد. بدون اين نظريه ثوري مزبور بکلي فرومي ريزد. نظريه پردازاني که مايلند نسخه آنها بسا ثوري "مائو" عوضی گرفته نشود، بايد نخست خود را از شر نظريه "ابر قدرت ها"، که دست بخت آن- رهاي مائوئيسم و مورد مصرف کس شده و بر هيچان محافل امپرياليسمي و بينايي آنها ثوري با فان "سياست"، برهاند. يکسان جلوه دادن سرکرده امپرياليسم جهاني، با شخصين کشور سوسيالسي جهان. بدون توجه به ماهيت سراپا منصاد آنها - ستاندن آمريکاي تجاوزگر - که اي که تنها در دوره پس از جنگ جهاني دوم محرک و افروزنده آنست بين از ۳۰ جنگ و برخورد نظامي تجاوزگرانه در گوشه و کنار جهان عليه حلق ها و انقلاب ها بوده است در کنار شوروي سوسياليسمي، که به قول فيدل کاسترو: "صرف وجود او مانعي براي ماجراجويي نظامي نيرو- هاي تجاوزکار امپرياليسمي است. اگر چنين نبود، مدت ها بود که آنها براي تقسيم جهان بين خود نقشه کشيده بودند و از تجاوز به کشورهای ديگر که داراي نفت و ديگر مواد خام

نظريه «اتحاد با مردم اروپا» و محتوای واقعي آن

مائوئيسم پيش از همه يک نرفند ايدهولوژيک براي خصومت با مارکسيسم- لنینيسم، انترناسيوناليسم پرولنتري و سوسياليسم عملا موجود است. آنهايي که مي خواهند جنبه هاي انحطاطي ثوري هاي مائوئيسمي را دور بريزند، تا عناصر، به گمان خود، درست و هدايت گر آنرا به کار بگيرند، اغلب تحت تاثير محرک هاي نيرومند ضد مارکسيسمي و شوروي- ستيزي قرار دارند. اما آغشته شدن به ثوري هايي که در جوهر خود بسر خصومت با واقعيات عيني جهان و انقلابي ترين نيروهاي عملا موجود استوار است، نمي تواند آنچه را که دل خواه دشمنان ثوري هاي انقلابي، يعني امپرياليسم جهاني است، بيار ني آورد. جهان در خارج از ذهن و حيطه تاملات و آرزو هاي ما، بطور عيني و به طور عمده بدو سيرو، دو جبهه، دو جهان از ريشه متضاد، تقسيم شده است. نيرو و جبهه انقلاب جهاني يا ضد امپرياليسمي و نيرو و جهان ضد انقلابي يا امپرياليسمي. اگر با جبهه انقلاب باشي، چه خواهي، چه نخواهي، در کنار ضد انقلاب جهاني. اين يک قانون بندي تحطي با پدير است. اما هستدکساني که اين قانون مندي فلز آ را، که زندگي بارها و بارها صحت آن را به اثبات رسانده است، باور ندارند. مائوئيسم، در اساسي ترين خطوط خود جهان بيني عقب مانده ترين لايه ها و عناصر خرده بورژوازي روستائي است. و به همين لحاظ از ديده گاه تاريخي منسوخ، اما از ديده گاه اجتماعي و سياسي در کشورهاي که هنوز حجم عظيمي از اقشار متوسط را در برگرفته، يک واقعيات مطرح است. بايد بين افرادی که به اقتضاي موقعيت طبقاتي يا لغزش هاي معرفتي در اين ورطه علتيده اند و آمادگي جذب عناصر و رگه ها و اصول اين جهان بيني را دارند، با آنها که هشيارانه از اين سلاح، در کنار ديگر سلاح ها، براي ضربه زدن، سرگردان کردن، به تحريك کشاندن و مسموم ساختن جنبش هاي انقلابي و عناصر کم تجربه در اين جنبش ها استفاده

در کيفيت امپرياليسم بودن آن تقيري نمي دهد. خصلت اصلي هر امپرياليسمي، چه درجه يک و ابر قدرت آن و چه امپرياليسم هاي درجه دو، از استثمار بي رويه در مقياس کلان و بي مرز ثلث مي گيرد. استثمار و استثمار فرآورده طبيعي اقتصاد سرمايه داري، نتيجه سياست سرمايه داري انحصاري- دولتي و تامل مافوق انحصارات براي کس سود منظم و فوق العاده است. و تازماني که اقتصاد سرمايه داري وجود دارد، توسعه طلبی، جنگ هاي تجاوزگرانه، ديکتاتوري و سرکوب و تبعيض و استثمار هم در جهان وجود خواهد داشت. تفاوت در شکل و مقياس و دامنه وسيع محدودتر و شيوه هاي زحمت يا طريقت دولت هاي امپرياليسم، طبيعت و ذات همسان و يگانه آنها را نمي پوشاند، هفجانکه تقسيم آنها به امپرياليسم هاي "خوب" و "بد" جز غرض و سالوس و در خوشبينانه ترين حالت، عامي گري مطرح کننده آنرا نمي رساند. سرنوشت مجسم ميترک ثوري "سه جهان"، يعني چين مائوئيسمي، نيرومندتر از هر ثوري و برهاني محتوای عفونت آميز و ضد انقلابي اين شبه ثوري و مقصد نهايي آن را برملا مي کند. چين مائوئيسمي که يک روز از موضع ماوراء انقلابي، صلاي "استقلال از دوا بر قدرت" را سر داد و دست در دست امپرياليسم هاي "جهان دوم" گذاشت، در عمل از آنجا سردر آورد که امپرياليسم جهاني اينک او را "عضو شانزدهم ناتو" مي خواند و نتگ شيا ثوپينگ در مصاحبه با جبرنگار "يوناي تدي پرس اينترنشنال" در ماه مه ۱۹۷۸، با تاکيد بر منافع مشترک چين و آمريکا، به استقبال اين لقب خيانت آميز مي رود و با خوشنودي موافقت مي کند که "جمهوري خلق چين" ناتوي شرق خوانده شود.

اين تصوير کلي، البته ساده شده و جوهر اصلي و واقعي پيچيده، متنوع و برباخ و برگي است که هم اکنون در تمامی عرصه ها و به نحوي بارزتر در عرصه ديپلماسي جهاني ميهن ما عمل مي کند، وگر نه اينک کمتر کسي شهادت ايراز صريح اين نظر را دارد که ما بايد پسي از انقلاب همچنان در اردوي جهاني امپرياليسم که سرکردگي آن را امپرياليسم آمريکا به عهده دارد، باقي بمانيم و جزئي از اين ماشين جهاني باشيم. و اگر هم چنين جراتي وجود داشته باشد، کلاه معتقدان آن در برابر افکار عمومي پشمي ندارد.

با سقوط دولت موقت و افشای مضمون "سياست گام به گام"، پسه پيروان اين نظر ضربه يکي و از آمد. از آن پس طرفداران کار و صريح "راه رشد سرمايه داري" و هم بيوندي با سيستم جهاني امپرياليسمي، پشت سرکساني خريده که براي حفظ جوهر اين نظر، ثوري مائوئيسمي "سه جهان" را علم کرده اند و به امد و اتکاي امپرياليسم هاي درجه دو، يعني اروپاي غربي، زاین و کانادا، در جست و جوي فضا ي تنفسي مستقل از به اصطلاح "دوا بر قدرت" هستند.

درباره نظريه مائوئيسمي - امپرياليسمي "دوا بر قدرت" و ثوري "سه جهان"، که طشت رسوائي آن در عمل از بام جهان افتاده، ما تاکنون بارها سخن گفته ايم و نيازي به شرح بسط بيشتري لااقل در مجالي که اين مقاله بدست مي دهد - نمي باييم. همين قدر به احتمال يادآور مي شويم که، شعبه گران "سه جهاني" با عمده کردن تفاوت ها و اختلافات تاکيکي به اصطلاح خودشان "جهان دوم (اروپاي غربي، زاین و کانادا) يا

"ما اطلاع موثق داريم که سرويس هاي مخفي چين با سازمان هاي جاسوسي فرانسه، ايالات متحده آمريکا، آلمان غربي و ناتو همکاري نزديک دارند."

دربارهٔ دوسالگرد:

۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ اعتصاب کارگران نساجی وطن اصفهان
۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸ اعتصاب کارگران نمت جنوب

تقدیم
جنبش
کارگری

طبقه کارگر ایران - نخستین و عمده ترین نیروی مبارزه با امپریالیسم و بادیکتاتوری پهلوی ها

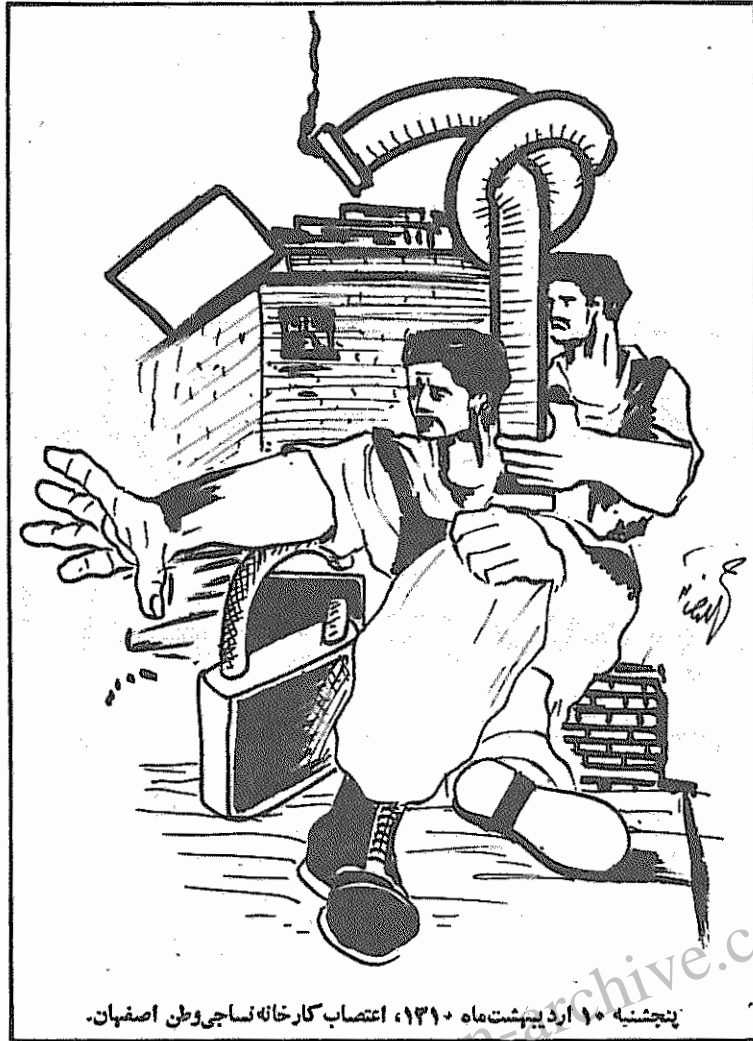
خللی در مبارزه متحد کارگران وارد آوردند. تهدیدهای مرمی نداشت، عوام - فریبی ها همه نقش بر آب شده بود، داد که همواره آماده مبارزه است و از حملات ارتجاع کمترین اهمای ندارد. برعکس، دستگاه حاکمه رضاخان قلدر چنان متوحش شد که برای فرو بردن نشانند اعتصاب صاحبان کارخانه را واداشت، تا با وجود وضع بحرانی، تقاضای کارگران را بپذیرند. خواست های کارگران به کرسی نشسته بود: در نتیجه اعتصاب، دست - مزد آنان چهل درصد افزایش یافت. روزانه کار (ساعت به ۹ ساعت تقلیل یافت. عمل تحقیر آمیز تفتیش و بازرسی کارگران به هنگام خروج از کارخانه متوقف شد.

طبقه کارگر ایران آنچنان استوار در برابر دیکتاتوری رضاخان خائن و امپریالیسم نفت خوار انگلیس ایستاده بود، که رضاخان تدا بیرویه ای را برای سد کردن این حرکت شتاب گیر و نیرومند اتخاذ کرد. قانون سیاه مصوب خرداد ۱۳۱۰، که آشکارا قانون اساسی مشروطیت را نیز بکلی پایمال می کرد، هر نوع فعالیت ضد سلطنت رضا شاه مخالفت مردم با غارتگری های شرکت غاصب انگلیس را بمناب "اقدام علیه امنیت کشور" مستوجب زندان و شکنجه می دانست.

رضا خان، که نقش تاریخی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری را شناخته بود، هر اس خود را با زدن برچسب "کمونیستی" به هر مبارزه کارگری و انقلابی نشان داد. زندان ها پر شد و انقلابیون و کارگران زیر شکنجه به شهادت رسیدند.

اما نه امپریالیسم قهار بریتانیا در سرزمین ما ماندگار شد، نه سلطنت مغفور پهلوی باقی ماند. سرانجام طبقه کارگر ایران سرافراز و پایدار امروز نیرومندتر از هر لحظه دیگر، در حالی که قله های افتخار گذشته را پشت سر گذاشته، می رود تا بر سکوی بلند تاریخ بایستد و فرمان مرگ امپریالیسم را بخواند.

امروز هم مبارزه برای طبقه کارگر ایران ادامه دارد. امروز هم استواری سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، ارتجاع منطقه، رژیم خائن صدام و دسایس سرمایه داران بزرگ و فئودال ها، ضد انقلاب پرورده امپریالیسم و تحریکات عناصر و جریان های سازشکار و چپ نما، در گرو حضور فعال طبقه کارگر در صحنه مبارزه است.



پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، اعتصاب کارخانه نساجی وطن اصفهان.

کفرانسی نمایندگان کارگران آغاز شد. در این اعتصاب یکپارچگی کامل کارگران، ازاده تاریخی آنان، قدرت سازماندهی و تشکل کارگران آنچنان چشمگیر و بی نقص بود که کارفرمایان، "امیه" چی ها و آنان های رضاخان به هیچ وجه امکان آن را نیافتند که کمترین

خاک میهن افشانند، از آن پس هرگز از رشد و نمو باز نیستاده است. نخستین جوانه این نهال پرتوان، اعتصاب کارگران نساجی وطن اصفهان (۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰) بود. این اعتصاب به کمک سازمان مخفی حزب کمونیست ایران و زیر رهبری

دخالت دادن نمایندگان کارگران در موارد اخراج یا استخدام کارگر،
- تامین و بازنشستی کارگران،
- هفت ساعت کار روزانه برای جوانان کمتر از هیجده سال،
- آزادی کارگران بازداشت شده و غیره...

از مجموع ده هزار کارگران نفت، نه هزار تن در اعتصاب شرکت کردند. عملیات اکتشاف و بهره برداری کاملاً فلج شد. مغازه ها همه جا تعطیل شدند. پیشهوران و کارگران بیکار نیز به اعتصابیون پیوستند و مجموعاً جمعیتی قریب به ۲۰ هزار نفر را دربرآورد. این های ارتشی و پلیس قرار دادند، این اعتصاب سراسر جنوب را در هم نوردید و در مسجد سلیمان و نواحی دیگر نیز اعتصاب شد.

مبارزه کارگران سرروز ادامه داشت. سیصد نفر از کارگران بازداشت و زندانی شدند. یورش سرکوبگرانه امپریالیسم انگلیس و رضاخان مزدور دیوانه آساده یافت و بالا گرفت. در شب سیاه دیکتاتوری رضاخان، مبارزه یکپارچه کارگران نفت نمایی از قدرت رزمنده انقلابی طبقه کارگر و جلوه بارزی از نقش پیشاهنگ این طبقه در طرد امپریالیسم و ایادی مرتجع داخلی آن بود.

هر چند که اعتصاب به همه اهداف خود دست نیافت، ولی قدرت طبقه کارگر و ارزش مبارزه متحد را به خوبی نشان داد. بنا به نوشته "روزنامه ستاره سرخ" وابسته به حزب کمونیست ایران:

"این اولین نمایی است که از حیث عظمت و تجمع افراد صورت یک اعتصاب کارگری را بخود گرفته است. پیشنهادهای کارگران... بخوبی مدلل می دارد که کارگران جنوب تا چه حد به حقوق خود آگاه شده اند." بنر مبارزه های کارگران نفت در

۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸ کارگران نفت جنوب زیر رهبری "اتحادیه های نفت جنوب" و حزب کمونیست ایران به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند. اتحادیه های نفت جنوب، که بیش از سه هزار عضو از میان کارگران داشت، در کفرانسی دوم خود، با طرح یک رشته مسائل سیاسی بمنظور قطع دست کمپانی غارتگر نفت انگلیس شعارهایی را عنوان کرد که بعضاً از این قرار بود: تقاضای تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب، اعتصاب اول ماه مه و خواست برسمیت شناختن اول ماه مه و اتحادیه های کارگری.

کمپانی نفت در آستانه اول ماه مه، ۹۳ تن از فعالین و کارگران عضو اتحادیه را دستگیر کرد، تا اعتصاب عملی نشود. ولی کارگران در چهارم ماه مه (۱۴ اردیبهشت) اراده خود را بر کمپانی تحمیل کردند.

دسته های پلیس، که در مرحله واقعه گرد آمده بودند، جرات حمله به کارگران را در خود نمی دیدند. کمپانی انگلیس قایق های موتوری خود را بکار انداخت، تا از بنادر و شهرها لشکرکشی را شروع کند. کارگران ورود قشون مزدور انگلیسی را با خواندن سرودهای انقلابی پاسخ گفتند. کارگران شعار می دادند:

- نابود باد کمپانی انگلیس و ایران!
- مرگ بر عمال امپریالیسم!
- مرگ بر امپریالیسم انگلیس!
- پاسبان ها و سربازان باشمشیرها و قهقه های برهنه به کارگران حمله ور شدند و کارگران به دفاع برخاستند. در درگیری های میان کارگران و نیروهای انتظامی انگلیس و رضاخان، ۲۰ نفر از کارگران و ۱۵ نفر پلیس زخمی شدند. اهم خواست های کارگران به قرار زیر بود:

- افزایش دستمزد تا ۱۵٪
- به رسمیت شناختن اتحادیه کارگری،
- به رسمیت شناختن اول ماه مه،

مائوئیسم در...

بقیه از صفحه ۳

هر نظریه و رهنمودی که تئوری مصنوعی "دوا بر قدرت" را بعنوان نقطه عظمت برگزیند، صرف نظر از نحوه استدلال، حسن نیت احتمالی و مقصد ذهنی گوینده آن، از دامن مائوئیسم سردر می آورد. و چه کسی است که حالا دیگر واقف نباشد که، ناز پرورده های این "دامن"، شیرین ترین نوازش امپریالیسم جهانی را بر سر و صورت و گونه خود مژه مژه می کنند؟

متحدان واقعی مردم ایران چه کسانی هستند؟

نظریه پردازانی که اروپا را به دو بخش "وابستگان" و "مستضعفان" تقسیم می کنند و می خواهند مستضعفان اروپایی را از سلطه برهاند، اگر واقعا "انگیزه" خیر دارند، باید به پرسش هایی از این دست جواب بدهند که: آیا فقط اروپای غربی به دو بخش "مستضعفان" و "وابستگان" مستکبر" تقسیم می شود؟ اگر ایسن تقسیم بندی محدود به اروپا نیست و گستره، بزرگی از جغرافیای هر پنج قاره جهان را فرا می گیرد، پس این همه توجه و اتکا به "اروپای غربی" و متمایز کردن آن از دیگر نقاط چه معنی می دهد؟ جز اینست که در کفه این کرایش، وسوسه تئوری مائوئیستی "سه جهان"، که اتکا به "جهان دوم" و بطور عمده اروپای غربی را بکشور - های "جهان سوم" تجویز می کند، خود را نشان می دهد؟ وانگهی آن نسخه ای که قادر است مستضعفان اروپایی را از "سلطه" و نکبت برهاند

بگذاریم؟ اگر وجوه تشابه، سرنوشت مشترک، درد و نیاز مشترک با مستضعفان دیگر کشورها مطرح بود، آیا نباید بیش از همه و مقدم بر همه، خلق های کشورهای که زیر سلطه امپریالیسم دست و پا می زنند و یا برای حراست از استقلال و آزادی خود با جنگ و دندان با امپریالیسم در پیکارند، بعنوان واقعی ترین و نزدیک ترین متحدان، انتخاب می - شدند؟

آنهایی که می خواهند به اروپایی ها - ظاهراً "فقط به اروپاییها" - حالی کنند که می توانند و باید بتوانند از سلطه باصطلاح "دوا بر قدرت" خلاص

شوند، چرا چشم به روی خلق های ستمدیده های نظیر خلق های مصر، عربستان سعودی، عمان، عراق، پاکستان، اردن و دهها نظیر دیگر، که علاوه بر ستم امپریالیستی زیرمهمیز دیکتاتوری خونین دست و پا می زنند و از ابتدایی ترین حقوق بشری محروم نگاه داشته شده اند، می بندند؟ در این فراموشی و کم - لطفی چه حکمتی است؟ اینجاست که در زیرو بم تئوری بافی بظواهر انقلابی،

نشانه های تردید انگیز و قابل سو ظن برجسته می شود و جوهر مائوئیسم زخم خورده و بی اعتبار، چون خونابه ای آمیخته به چرک بیرون می زند.

کافی نیست که ما در ذهنمان بین اندیشه های خود با مائوئیسم خط بکشیم و از آن تبری بجوئیم. کافی نیست که خیر خواهانه عناصری از آن را به وام بگیریم، تا خارج از حیطه آن، به نتایج مطلوب خودمان برسیم. همینکه روی پوست خریزه یکسی از تلقینات مائوئیستی پا بگذاریم، با سر به اعماق چاهی در خواهیم غلطید که دیگر نه "مائو"، بلکه "برژینسکی" و شرکا در آنجا منتظرند.

تقسیم سیاسی اروپا به دو بخش مستضعف و وابسته، و در پی آن، جهیدن در آغوش یکی از این دو بخش اروپایی، فقط لعاب شیرینی است بر همان تئوری های تلخ فرجام کهنه، افشای این تئوری ها، که علیرغم جوهر یگانه اش، "هر لحظه به شکلی، بت عیار در آید"، جزئی اساسی از نبرد انقلابی با امپریالیسم آمریکا و شرکا ریز و درشت اوست.

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

مسائل روستایی و عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد

تعاونی‌های روستایی باید بوسیله مردم و افراد مؤمن به انقلاب اداره شوند

روستائیان سیاه‌شیر در انتظارند تا با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به ادعاهای واہی بزرگ مالک منطقه خاتمه داده شود

این روستا دوقریه سیاه‌شیر علیا و سیاه‌شیر سفلی را شامل می‌شود. (۵۰ کیلومتری بهبهان - ۸۰ خانوار جمعیت). هر خانوار روستا حدود ۳ تا ۶ (۸۰ کیلومتر من است) زمین دیم دارند. البته مقداری زمین آبی در روستا وجود دارد، که بوسیله نهرهای قدیمی که توسط اهالی احداث گردیده، آبیاری میشود، لیکن بعلت خرابی کانال‌ها فقط ۵ من زمین زیر آب است. لذا یکی از خواست‌های اهالی مرست و نوسازی این کانال‌ها است.

دهقانان در مورد اراضی روستایی می‌گویند: "یکی از فتووال‌های منطقه، کماز سال ۴۲ به این طرف ادعای مالکیت بر این دهات را دارد و از همان سال پرونده آن در دادگاه‌های بهبهان در جریان است، هنوز هم از ادعای خود دست برنداشته و گاهی این موضوع را در دادگاه مطرح می‌کند."

روستائیان می‌خواهند که هر چه زودتر به این جریان فیصله داده شود و با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و تثبیت مالکیتشان بر زمین، به ادعاهای واہی - الک زورگو خاتمه داده شود.

همچنین بعلت پائین بودن تولید کشاورزی، دامپروری نیز رواج دارد و خانواده‌ها به تناسب بین ۲۰ تا ۵۰ گوسفند دارند.

روستای سیاه‌شیر در زمان طاغوت لوله‌کشی شده است، لیکن اهالی حتی یک روز هم از آب استفاده نکرده‌اند، زیرا چاه فاقد آب است! با اینکه مدت ۲ سال است که بودجه ترمیم این پروژه از طرف برنامه و بودجه استان به اداره تعاون و امور روستا ابلاغ شده، ولی تا بحال در این مورد اقدامی بعمل نیامده است. در حال حاضر اهالی از آب رودخانه استفاده می‌کنند، که آلوده است.

همچنین در سال گذشته، با کمک جهاد سازندگی و خودیاری اهالی، یک دهانه پل ۶ متری بین دوقسمت از ده ساخته شده است.

اهالی روستا همچنین خواهان نوسازی روستا هستند.

در آغاز جنگ تحمیلی صدام به ایران انقلابی، ۷ نفر از اهالی روستا داوطلبانه عازم جبهه جنوب شدند و در دفاع از میهن انقلابی خود رزمیدند.

با مقررات توزیع نمی‌نماید و به بهانه های مختلف از پرداخت آنها به روستائیان خودداری می‌نماید. از جمله سهمیه سیگار و چهار صد گرم واندی بودر لباسشویی و غیره و تقلب در دریافت کوبین و پرداخت نکردن کالا، و همچنین ایجاد دکه خصوصی بنام خانم خود جهت آب کردن کالا".

نامه این روستائیان به امضاء ۱۳۰ تن از آنان رسیده است.

اداره تعاون و امور روستاها نیز، طی ابلاغیه‌ای به سرپرستی تعاونی‌های حوزه، عزل شخص متذکور و انتخاب شخص امینی بانظر هیئت مدیره شرکت و اهالی محل را خواسته است.

آنچه در اینجاسته ذکر است اینکه، تعاونی‌ها مطابق قانون اساسی باید بوجود آیند و گسترش یابند. تعاونی‌ها باید حلال مشکلات زحمتکش در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف باشند و در مورد مشخص مورد بحث دسترسی روستائیان تهیدست را به وسایل و کالاهای مورد نیازشان آسان کنند. همچنین لازم می‌آید تعاونی‌ها اینست که، با مشارکت فعال زحمتکش اداره شوند و بوسیله آنان و افراد مؤمن به انقلاب فعالیت کنند. در این راه دولت نیز، ضمن ملی کردن فوری بازرگانی خارجی، باید به تعاونی‌ها در شربخشی هر چه بیشتر کارآنان یاری رساند.

دانسته و در باره‌ی نوشته‌اند: "فردی است تحمیلی که در رژیم فاسد پهلوی بوسیله یکی از عمالشان بنام ناصر ابدالی نماینده سابق بخش دهدز به مردم تحمیل شده است و ماهرانه به چاپیدن خلق مستضعف خدا مشغول است. اعمال ضد انسانی بر کمتر کسی پوشیده است و حتی چندین بار از طرف مردم علیه او به اداره تعاون روستای شهرستان شکایت گردید."

روستائیان همچنین معتقدند که فروشنده فروشگاه شرکت تعاونی در اداره تعاون دارای حمایتی است.

روستائیان بخشی از اعمال ضد مردمی این شخص را در نامه خود چنین آورده‌اند:

"مهارت کامل در اخذ تفاوت و فروش کالاهای مورد نیاز مردم، در زیر نقاب اسلامی و وانمودهای عوام‌فریبانه به خصوص در طوایف چهارنجی، زندی، خدابخشی و ایجاد جو ناراضی در روستائیان ناآگاه نسبت به جمهوری اسلامی، یعنی چون کالیست تقصیر از اسلام است نه از شاه!"

کلیه اجناسی که از رژیم گذشته تا بحال از اداره تعاون دریافت نموده مقداری را با زدوبند در بازار آزاد و بقال‌های محلی مورد اعتمادش که محل امنی است بفروش می‌رساند.

در این شرایط سخت اقتصادی کالاهای جیره بندی شده را بطور عادلانه

گرنی کالاهای مورد مصرف عموم و نحوه توزیع این کالاها - بجز کالاهایی که از طریق جیره بندی و بوسیله کوپن توزیع می‌گردند - از جمله مسائلی است که در برابر زحمتکش روستائی، نظیر زحمتکش شهری - و شاید بیشتر از آنان - قرار دارد.

زحمتکش روستائی، که بخش اعظم زحمتکش را تشکیل می‌دهند، از وجود گرانی و احتکار مایحتاج عمومی توسط سرمایه - داران بزرگ و واسطه‌ها و نیز از فقدان نظام توزیع عادلانه و کنترل شده توسط دولت رنج می‌برند.

این مسائل و نیز وجود افراد نا - شایست و مخالف رفاه حال روستائیان تهیدست در نهاد - هایی که بکار توزیع کالا های عمومی اشتغال دارند، نظیر شرکت‌های تعاونی روستا، بر نگرانی و ناراحتی روستائیان افزوده است.

نمونه‌ای از این مشکل روستائیان را در روستای قلعه سرد روستاهای اطراف می‌توان دید. روستائیان از شخصی که فروشنده فروشگاه تعاونی روستا است، ناراضی هستند. این روستائیان در نامه - ای خطاب به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در شهرستان ایذه، عملکرد شخص مذکور را "ضد مردمی و غیر اسلامی"

روستائیان «گچ‌بلند» می‌خواهند که در کار سازندگی کشور نقش فعالی داشته باشند



یکی از روستائیان روستای گچ‌بلند، که به کار تهیه ذغال مشغول است. این روستایی می‌خواهد که در کار سازندگی کشور و تقویت پشت جبهه شرکت هر چه فعالیت داشته باشد، ولی امکانات او محدود است.

روستائیان زحمتکش روستای «گچ‌بلند» بدلیل سنگلاخی و نامرغوب بودن اراضی و پائین بودن تولید و نیز رکود کارهای ساختمانی، از بیگاری رنج می‌برند.

روستای گچ‌بلند یکی از روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد است و در ۵۰ کیلومتری بهبهان قرار دارد (تعداد ۲۰ خانوار).

اراضی روستا بطور کلی پوشیده از قلوه سنگ و نامرغوب هستند. کشت نیز دیمی است. هر خانوار حدود ۳ تا ۶ من (یک من ۸۰ کیلو است) گندم می‌کارد، که هر تخم سه تا چهار تخم بیشتر محصول نمی‌دهد. هر خانوار نیز ۵۰-۱۵ بز و میش دارد، تا بتواند کمک خرجی خانواده باشد. از این رو به ناچار قبلا اکثر اهالی که بصورت کارگر ساختمانی کاری کردند، اکنون بیکارند و از این نظر سخت در مضیقه هستند. بیگاری موجب گردیده است که روستائیان به کار پرزحمت و کم درآمد تهیه ذغال بپردازند.

در این مورد یکی از روستائیان گچ‌بلند، که به این کار اشتغال دارد، می‌گوید:

"ما مجبوریم هیزم راهروانت بار ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان بخریم و با هزار مشقت با آن ذغال درست کنیم. در آخر از هر ماشینی ذغال برایمان ۲۰۰ تومان می‌ماند. چون مجبوریم ذغال را هر گونی ۵۵ تومان بفروشیم. ذغال‌ها در بهبهان گاهی تا ۱۲۰ تومان فروش می‌روند. من نگاهبان کوره گچ‌پزی هستم، ولی بعلت کافی نبودن دستمزد مجبورم که اوقات بیکاری ذغال درست کنم." روستائیان گچ‌بلند به عدم آشنایی نیز اشتغال دارند، لیکن اغلب دام‌ها بدلیل فقدان امکانات بهداشتی و درمانی دچار بیماری می‌شوند. یکی از روستائیان در این باره می‌گوید:

"پارسال با برادرم حدود ۲۰۰

حداقل برای دام‌های خود علوفه و جو بخریم.

بازگویی پروزه لوله‌کشی آب آشامیدنی توسط اداره بهداشت در این روستا به پایان رسیده و از این پروزه دهات مجاور، یعنی ده صفر و ده بیشه‌خشان نیز استفاده می‌کنند.

اهالی روستای گچ‌بلند با قاطعیت از انقلاب پشتیبانی می‌کنند و آمریکا را دشمن اصلی و جنگ تحمیلی را جزئی از توطئه آمریکا می‌دانند.

دهقانان گچ‌بلندی خواهند از بیکاری و فقر رهایی پیدا کنند و در کار سازندگی کشور نقش فعالی داشته باشند.

اداره کشاورزی و نهادهای مربوطه برای بارور کردن اراضی و ایجاد صنایع جنبی و تدارک وسایل و امکانات دامپروری باید به دهقانان یاری رسانند.

ما به تمام مردم دنیا و به تمام مردم ایران و مردم استان کهگیلویه و بویراحمد اطلاع می‌دهیم که اگر اختلافی و کشت و کشتاری در این منطقه بوجود بیاید، این هیئت پیش امام و خدامستول آن خواهد بود!

بدینسان در واقع بزرگ مالکان تهدید به کشت و کشتار می‌کنند.

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند، به مهر و مین باز پس داده می‌شود

شیوه تازه بزرگ مالکان برای ایجاد تشنج:

بزرگ مالکان به ایجاد اختلاف و بر خورد مسلحانه بین طوائف در منطقه بویراحمد دست می‌زنند

این نمایندگان کشاورزان! خطاب به هیئت و سپس در مورد صاحبان واقعی زمینها، یعنی دهقانان که پس از سالها محرومیت اکنون صاحب زمین شده‌اند، مینویسند:

"شما که می‌خواستید روی عدالت کار کنید، آیا پرسیدید که چه کسانی این زمینها مردانند و آنها را احیاء کرده‌اند؟ آیا صاحبان آن بی‌حق، ولی ترکان سیرم حقدارند؟"

این بزرگ مالکان وقتی "عدالت" را برقرار می‌بینند که خود صاحب اراضی وسیع و حاصلخیز باشند و "ترکان سیرم"، یعنی دهقانان محروم در فقر و بی‌زمینی بسر ببرند وزیر فرمانروایی آنان باشند. لذا برای رسیدن به چنین وضعی، از دست زدن به هیچ مکر و فریب و توطئه‌های فرودگزار نمی‌کنند و در کهگیلویه و بویراحمد مسئله ترک و لر را مطرح می‌سازند. آنها اگر چه مقتضای زمان می‌کشند ضد انقلابی بودن خود را پنهان دارند، ولی مینویسند:

"تا آخرین قطره خون خود از میراثمان دفاع خواهیم کرد".

میراث؟ کدام میراث؟ میراثی که در بر توخیانت به مردم از رژیم گذشته بدست آمده است و بر اثر زور - گوئی و جنایت و سندسازای حاصل گشته است؟

نکته دیگری که در این خصوص شایان ذکر است اینست که، برخی از افراد که از حیثیت و اعتبار در میان مردم برخوردارند، متأسفانه سر درگم شده‌اند و بجای دفاع از منافع زحمت - کشان روستا، با عمل خود، آب به آسیاب بزرگ مالکان میریزند. افسراد مذکور باید توجه داشته باشند که اینگونه اعمال لطمه‌های جبران ناپذیری به روحانیت مبارز و تعمیق و گسترش انقلاب بزرگ ما وارد می‌آورد.

همچنین بر مسئولین امر است که با برخوردی واقع بینانه در مناطق عشایری سایر مناطق کشورمان، از هر گونه درگیری طایفه‌ای، که به سود ضد - انقلاب است، جلوگیری بعمل آورند و برای خنثی کردن توطئه‌های بزرگ - مالکان، قانون اصلاحات ارضی را در اسرع وقت و بطور کامل به اجرا در آورند.

مالکان بزرگ علیه هیئت‌های هفت نفری قانون اصلاحات ارضی توطئه می‌چینند.

دامن زدن به اختلاف طوایف، طرح مسئله لر و ترک و گوشش برای درگیری مسلحانه بین آنها در منطقه، بخشی از توطئه علیه انقلاب است.

با اجرای بند "ج" و "د" باید مالکان بزرگ را خلع ید کرد.

بازگویی فتووال‌ها و زمین‌داران بزرگ با بهره‌گیری از روحانی نمایان در استان کهگیلویه و بویراحمد به شیوه - های جدیدی به منظور انحلال هیئت واگذاری زمین متوسل شده‌اند. این بزرگ مالکان با حربه دامن زدن به اختلافات بین طوایف، در صدد ایجاد درگیری و ناامنی در منطقه هستند. آنها با وجود آوردن برخورد های مسلحانه بین طوایف از یک سو می‌خواهند هیئت واگذاری زمین را مسئول حوادث معرفی کنند و از سوی دیگر از انجام هر گونه اقدامی بسود دهقانان بی‌زمین و کم - زمین و از جمله اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند.

بدین منظور، بعد از صادره اراضی یکی از بزرگ مالکان معروف کهگیلویه و بویراحمد و واگذاری آن به دهقانان بی‌زمین و کم زمین روستاهای خربل، امام زاده جعفر، هسته کوه ... گروهی از زمینداران بزرگ، که خود را نمایندگان کشاورزان با پشت ساپویی معرفی کرده‌اند، در اعتراض به این اقدام انقلابی هیئت واگذاری زمین، اعلامیه‌ای منتشر در آن، پس از توهین‌های مکرر، هیئت را تهدید کرده‌اند.

در اعلامیه بزرگ مالکان آمده است:

"ما به تمام مردم دنیا و به تمام مردم ایران و مردم استان کهگیلویه و بویراحمد اطلاع می‌دهیم که اگر اختلافی و کشت و کشتاری در این منطقه بوجود بیاید، این هیئت پیش امام و خدامستول آن خواهد بود!

بدینسان در واقع بزرگ مالکان تهدید به کشت و کشتار می‌کنند.

بدون تردید این پیامدهای منفی، و در موارد بسیار منفی، در عین آنکه بخش عمده آنها را نمی‌توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت، مانند ترسزد در ناکسی روند گسترش انقلاب شکوهمند مبین مارا کند می‌کند و در عمل آب به آتش می‌افزاید و ضد انقلاب می‌ریزد. و به سوز و آزاری لبریز ضربه خورده امکان می‌دهد که از آنها به زبان انقلاب بهره‌گیری نماید. این ویژگی‌ها در یک سمت قرار ندارند. هم در "جب" و هم در راست، در حالی که منشاء پیدایش هر دو گرایش "جب" و راست همان اقشار خرده- بورژوازی هستند.

این ویژگی‌ها را در سمت راست در چهره گروه‌های متجاوز، فاشیست‌مآب، جفاقدار و گردانندگان آنها می‌بینیم. این گروه‌ها که امروز مسلماً جولانگاه عناصر ناشناخته ضد انقلاب و ساواک گردیده و کم‌کم علیه همان محافظی وارد عمل شده‌اند که ابتدا خود در بوجود آوردن آنها مؤثر بوده‌اند، محصول بر- داشت انحصارگرا از قدرت برای سرکوب هر نظر مغایر با نظریات تنگ مبتکرین آن

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

پیامدهای ناشی از اشتباهات، مطلق‌گرایی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، انحصارطلبی‌ها و خودمحوری‌ها در صفوف نیروهای انقلابی

پیامدهای آنها، زبان‌های جبران‌ناپذیر در زمینه از دست دادن نیروهای سازنده، انقلاب از یکسو و از دست دادن امکانات و فرصت‌های گرانبها در سناری ارزمنه‌ها ارسوی دیگر گردیده و قشری‌گری و خود-محوری در "جب" موجب دست‌یاری به اقدامات تخریبی، تفرقه‌جویانه‌ها، و پیامد هر دو این گرایش‌ها آن است که میدان برای فعالیت دشمن انقلاب و بهره‌گیری لبریز از سازشکار و نسلم-طلب بطور چشمگیری مساعد گردیده است. توجه به این عوامل ۳گانه اهمیت و ارزش تاریخی دستاوردهای انقلاب را چشم‌گیرتر می‌سازد. این خودنسناسه نیروی عظیم توده‌ای و مردمی انقلاب است که علیرغم همه این عوامل منفی توانسته است هر روز در سمت‌گیری‌های اساسی، یعنی مبارزه برای ریشه‌کن ساختن سلطه امپریالیسم، مبارزه برای ریشه‌کن ساختن آثار استبداد سلطنتی و مبارزه برای محدود ساختن امکانات غارتگری بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و تأمین آزادی و شرایط زندگی بهتر برای محرومان جامعه، دستاوردهای خود را گسترش دهد.

تشنج‌انگیز، تخریبی یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران، جان‌نشین برخورد خلاق انقلابی می‌شود. ما شاهد آن هستیم که این روش‌ها عیناً مانند انحراف سرکوبگرانه راست‌گرایان، میدان رشد انحراف زورمدارانه چپ‌روها یعنی نوعی از گرایش‌های "انقلاب فرهنگی" مائوئیستی که عاقبتش به شیوه‌های وحشیانه پل‌پوت‌ها پایان می‌یابد، گردیده‌اند.

تجربه تاریخی نشان داده که صف‌گروه - های انحصارطلب خیلی زود جولانگاه عناصر دشمن می‌شود. در سمت "جب"، همین انحصار- طلبی و مطلق‌گرایی و خودمحوری در میان آن گروه‌های چپ‌گرا دیده می‌شود که افراد آن بطور عمده مانند انحصارطلبان، راست‌گرا و قشری در موضع‌گیری‌های خود صداقت دارند، ولی به علت همان ویژگی‌های برانحراف عملاً در سمت‌گیری نادرست نسبت به ضروریات انقلاب در این مورد هم، اقدامات آشوبگرانه،

رواج این شیوه موجب می‌شود که تنگ‌نظران از یک سوم میدان جنبه متحد نیروهای راستین انقلاب را تنگ کنند و گردان‌های ارزشمندی را که می‌توانند در این میدان، در نبرد مشترک برای عمده-ترین آماج‌های همگانی محرومان جامعه فعالانه و سازنده شرکت نمایند، از این میدان خارج سازند و ارسوی دیگر راه را برای نفوذ فرصت‌طلبان و عوامل دشمن که خیلی زود می‌توانند رنگ و ماسک ریا و تزویر بر چهره خود بزنند، به درون صف مبارزان انحصارطلب باز نمایند.

حزب کمونیست ایتالیا چگونه تشکیل شد؟

سیاست داخلی ارتجاعی و ماجراجویی جنگ‌طلبانه و جنایتکارانه فاشیسم بود. سه هزار و صد و هشت صد فاشیست ایتالیایی، از جمله لوتیچی لوگنو صدر حزب کمونیست ایتالیا، که چند ماه پیش در گذشت، در جنگ ملی - انقلابی خلق آسیانیا در راه استقلال، دموکراسی و صلح شرکت کردند. پس از آغاز جنگ دوم جهانی، بویژه پس از حمله ارتش‌های هیتلری به اتحاد شوروی، رزمندگان ضدفاشیست پیش از پیش صفوف خود را تحکیم بخشیدند و در ۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۹ سپتامبر ۱۹۴۳)، با تشکیل «کمیته مرکزی آزادی ملی» وحدت سازمانی جنبش مقاومت ملی را تأمین کرد. با تهاجم فاشیست‌های آلمان و ایجاد یگانهای یارتیزانی در اواخر پائیز ۱۳۲۲، مرحله‌ای جدید در نبرد آزادیبخش ملی علیه اشغالگران آغاز شد. اعتصاب یکپارچه کارگران، قیام‌های دهقانی و جنگهای یارتیزانی، در ۵ اردیبهشت ۱۳۲۴ (۲۵ آوریل ۱۹۴۵)، با رستاخیز پیروز مردم ایتالیا و رهایی کشور از بند فاشیست‌های آلمان و ایتالیا، به اوج خود رسید.

کمونیستی، را پایه گذارند. این کام مهم و ضرور نخستین، که بعقیده گرامشی، «حداقل یک سال زودتر باید برداشته میشد»، هنوز بمعنای آن نبود که این حزب نوپا به حزبی مارکسیستی - لنینیستی تبدیل گردیده است. رهبری آماندو پوردیگا و هواداران، با موضع‌گیری‌های تکررانه و چپ‌روانه خود، حزب را به انفراد کشانید. تنها سه سال بعد، هنگامیکه آنتونیو گرامشی رهبری حزب را بعهده گرفت، لنینیسم در سراسر حزب کمونیست ایتالیا گسترش یافت و حزب توانست خویش را از افراد رهایی و برای مقابله با فاشیسم توان بخشد.

آزمایش تاریخی مبارزات ضدفاشیستی

حزب نوپای کمونیست ایتالیا نخستین حزبی بود که در اروپا مجبور به مبارزه رویارو با فاشیسم گردید و ناچار شد که در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) فعالیت خود را در شرایط غیرقانونی ادامه دهد. آنتونیو گرامشی، دبیر کل حزب، در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ (۲۷ آوریل ۱۹۳۷)، پس از ۱۱ سال آزار و شکنجه، در بند درخیمان فاشیست درگذشت. از ۴۶۷۱ ایتالیایی، که در بیدادگاههای ویژه فاشیست‌ها محاکمه شدند، ۴۰۳۰ تن کمونیست بودند. مدت حبس اینان بالغ بر ۲۳۰۰۰ سال می‌گردید.

حزب کمونیست ایتالیا ترور و بیگرد فاشیستی را با مبارزه شجاعانه پاسخ می‌گفت. این حزب، برپایه تصمیمات هفتمین کنفرانس جهانی اترانسینوال کمونیستی و یمنانی با حزب سوسیالیست درباره وحدت عمل دو حزب، بر کوشش‌های خود برای تشکیل یک جبهه واحد و گسترده ضدفاشیستی می‌افزود. مهم‌ترین وظائف این جبهه، یکپار با

نهاد، این گروه خواستار آن شد که حزب سوسیالیست به حزبی طراز نوین تغییر یابد، جلسات سخنرانی را قریب میداد و مبارزه توده‌ای کارگران را سازمان می‌بخشید.

در این دوران، مارکسیست - لنینیست‌های ایتالیا از پشتیبانی لنین در مبارزه با جبرانیات اپورتونیستی راست و «چپ» بهره‌مند می‌شدند. لنین در پائیز سال ۱۲۹۹ (نوامبر ۱۹۲۰) مسئله اساسی جنبش کارگری ایتالیا را چنین بیان کرد: «برای پیروزی انقلاب در ایتالیا، ضرور و اجتناب‌ناپذیر است که حزبی برآمده کمونیستی، پشاهنگ پیروان‌رای انقلابی شود. این حزب باید درمواقع حماس از هرگونه نوسان و ضعف بوی، و از شور، جانپازی، تحریک، دل‌آوری بیکران و عزیمت انقلابی آکنده باشد.»

کنگره «لیوورنو»

از سوی دیگر، عدم قاطعیت و عجز حزب سوسیالیست، رویارویی آشکار رهبران رفرمیست در برابر اترانسینوال کمونیستی و گسترش عوام-فریبی فاشیستی ایجاد میکرد که هرچه زودتر گامهای قاطع برداشته شود. در کنگره هفدهم حزب سوسیالیست ایتالیا، که در ۲۵ دی ۱۲۹۹ لیوورنو برگزار گشت، یحیی حاد درباره اصول بنیادی سیاست طبقاتی پرولتری و پذیرش شرایط عضویت در کمیترن میان نمایندگان کنگره در گرفت. اکثریت «سانت‌ریست‌ها»، علیرغم درس‌های تاریخی و رهنمودهای اترانسینوال کمونیستی (که قبلاً آنها را پذیرفته بود)، از اخراج رفرمیست‌ها و تغییر نام حزب سر باز زد. در این هنگام بود که نمایندگان کمونیست، در حالیکه سرود «اترانسینوال» را میخواندند، کنگره را ترک گفتند و در «تئاتر سان‌مارکو» در نخستین کنگره خود، حزب کمونیست ایتالیا، یحیی ایتالیایی-اترانسینوال

چنانکه بموقع خود خبر دادیم، حزب کمونیست ایتالیا در تاریخ یک بهمن ۱۳۵۹ (۲۱ ژانویه ۱۹۸۱) شصتین سالگرد پایه‌گذاری خود را بزرگداشت. حزب کمونیست ایتالیا اینک، نه تنها ۱۷۵۲۱۵۳ نفر عضو دارد و از پشتیبانی بیش از سی‌درصد رای‌دهندگان ایتالیایی برخوردار میشود بلکه در همه نهادهای سیاسی - اجتماعی ایتالیا، بویژه در سندیکاها و ارگانهای محلی، از قدرت و نفوذ فراوان بهره‌مند است.

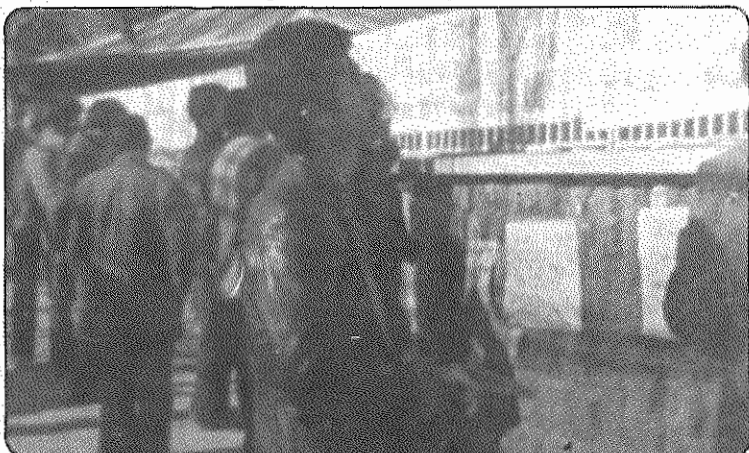
در زیر تکه‌ای کوتاه به چگونگی تأسیس این حزب و مبارزات ضدفاشیستی آن می‌افکنیم:

فرآورده مبارزات طبقاتی

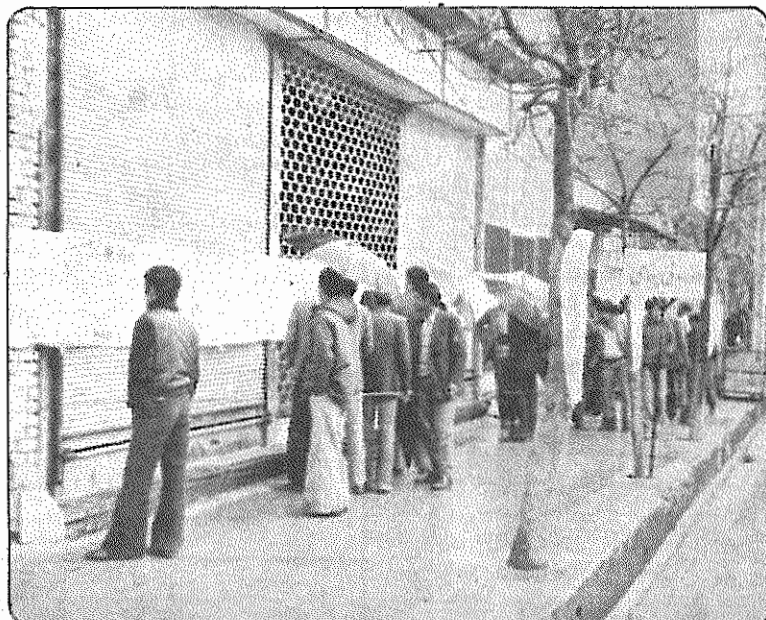
بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا در یکم بهمن‌ماه ۱۲۹۹ (۲۱ ژانویه ۱۹۲۱) فسرآورده مبارزات انقلابی طبقه کارگر و توده مردم ایتالیا پس از جنگ اول جهانی، تحولات درونی جنبش کارگری ایتالیا و تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و الهام اندیشه‌های تانک لنین بود. در بحران انقلاب پس از جنگ اول جهانی، در ایتالیا نیز، همانند برخی دیگر از کشورهای اروپا، جنبش توده‌ای علیه پیامدهای جنگ و نظام امپریالیستی پدید آمد.

اما از آنجا که طبقه کارگر از رهبری انقلابی و اتحاد بی‌بهره بود، این بحران انقلابی به انقلاب پرولتری نیانجامید. حزب سوسیالیست، هر چند در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) به اترانسینوال کمونیستی پیوسته بود، ولی از نظر سازمانی - آرمانی توانایی رویارویی با وظائف جدید را نداشت. گروهی که در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹)، گرداگرد نشریه «اوردینه نوووو» (نظام جدید)، و برهبری آنتونیو گرامشی و پالمیرو تولیاتی، در توریج پدید آمد، کوشش‌هایی ارزنده را در راه ایجاد پشاهنگی انقلابی و ترویج و تطبیق اندیشه‌های لنین و انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز

نمایشگاه عکس در بندر ترکمن صحرا



از طرف هواداران حزب توده ایران، نمایشگاه عکسی در بندر ترکمن صحرا برپا شد. در این نمایشگاه عروسک‌های عمو سام به آتش کشیده شد. نمایشگاه مزبور در مدت برپایی خود مورد استقبال اهالی قرار گرفت.



نمایشگاه

عکس

در نهانوی

به مناسبت ۲ فروردین سالروز بینانگذاری جمهوری اسلامی ایران، نمایشگاه عکس و طرح توسط اعضاء و هواداران حزب توده ایران در نهانوی برپا گردید. این نمایشگاه در مدت برگزاری خود مورد استقبال مردم قرار گرفت.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

آمریکا برای جبران شکستهای خود میخواهد بین مردم اختلاف اندازد

تکلیف مراعات کشور را روشن کنید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مسائل مختلف مملکتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نخستین ناطق پیش از دستور، محمدباقر حسینی لویسانی، نماینده تهران، بود که درباره ارزشهای اسلامی و شیوه برخورد به مسائل مختلف سخن گفت.

احمد زرهامی، نماینده ذوقلسخنران بعدی بود. وی ضمن اشاره به همزمانی «اوج گرفتن اختلافات داخلی و فساد سیاسی در شهرهای مختلف» و «انهدام و انفجار و نابودی مناطق مسکونی و غیرنظامی شهرهای خوزستان» با پیروزیهای اخیر رژیمندگان ایرانی علیه تجاویزگران صدامی، انهدام و بمباران مناطق غیر مسکونی ایران از جمله ذوقل را شدیداً محکوم کرد.

سومین ناطق پیش از دستور احمد همتی، نماینده مشکینشهر، در سخنانش از جمله گفت:

«اینروزها شیطان بزرگ بعد از نقشه‌های زیاد شیطانی برای جبران شکستهای متضخانه و پیدایی ویرانی‌های بازمانده اعتبار از دست رفته خود، از دوطریق تلاش مذبحخانه می‌کند:

۱- بمنظور محاصره انقلاب خوین ایران از بیرون کشور، سران بعضی کشورهای مرتجع خلیج فارس و امثال او علیه انقلاب اسلامی ایران آرایش بیشتر می‌دهد.

۲- او می‌خواهد بین مردم متحد ایران اختلاف ایجاد کند.

وی در بخش دیگری از سخنانش افزود: «ملت که این انقلاب را به قیمت جان بهترین جوانان گلگون کفن خود بدست آورده، هرگز به دشمن فرصت نمی‌دهد و در میان نواز محاصره نظامی اقتصادی دشمن از بیرون و شیطنتهای او از درون، از امواج فتنه‌ها و حمله‌ها نمی‌هراسد».

اخباری بسیار ...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی ایران وجود دارد، گشوده شود و یکی از مهم‌ترین سدهائی که بر سر راه تحکیم و تعمیق انقلاب ایستاده است، برچیده گردد.

از آذرماه گذشته، در برابرس فشار مالکین بزرگ و تضییقاتی که آنان در برابر اراده انقلاب و مردم زحمتکش روستاها ایجاد کردند و موجب تعویق بند «ج» در شرایط سخت شد، چشم‌پای سیوی مجلس شورای اسلامی متوجه گردید و از این نهاد اصلی قانونگزاری جمهوری اسلامی ایران طلب گردید که قانون مصوبه شورای انقلاب را تنفیذ کند و به توطئه‌های بزرگ مالکان پایان دهد. نیروهای انقلابی ایران می‌گفتند که نباید به بزرگ مالکان و ایادی روحانی‌نما و سرمایه‌داران حامی آنها اجازه داد در برابر حرف انقلاب و تأیید سه فقیه منتصب امام خمینی قد علم کنند و با تهدید و شانتاز و تشنج آفرینی سد راه شوند.

دهقانان زحمتکش ایران، صدها و صدها نفر از هر ده فاسد نوشتند و دهها و دهها نفر از هر ده به مجلس شورای اسلامی و نمایندگان حوزة‌های مختلف انتخابیه مراجعه کردند و طومار-

های خود را، که جمعا نه باصدها هزار، بلکه با میلیونها امضا و اثر انگشت مزین شده بود، در همه‌جا، از مسجد تا سرسرای مجلس شورای اسلامی، گسترده دولتمداران و مسئولان متمهدامور بارها و بارها گفتند که رشد کشاورزی و ایجاد اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی، که توسط رژیم پهلوی به نابودی کشانیده شده بود، تنها و تنها براساس حل مسئله مالکیت زمین‌مزرعوی و واژ بین بردن بساط خانجانی و فئودالی و رساندن حق به‌حق‌دار، یعنی زمین به دهقانان ممکن است و هیچ نوع اقدام پرنامهریزی و سازماندهی برای تولید بیشتر محصول و رسیدن به حد مقدور خودکفائی، بدون ریشه کن کردن بزرگ مالکی و واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم زمین بنا بر مواد قانون امکان‌پذیر نیست.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

مشکلات بسی‌حدی دشمنان انقلاب آفریدند و دشواریهای بسیار دیگر بر سر راه بوده و هست. ولی میشد بر این مشکلات فائق آمد و این سخن که اکنون «مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام خواهند کرد» نوید میدهد که بالاخره راه انقلابی برای برطرف کردن این مشکلات هموار شود و کلیه زمینهای بایر و دایر بزرگ مالکی، که مشمول بندهای «ج» و «د» میشوند به دهقانان قهیدست واگذار گردد.

ناطق سپس در مورد مشکلات حوزه انتخابیه‌اش صحبت و اشاره کرد که تکلیف مراعات هنوز روشن نشده است و به دولت هشدار داد: «وقت کوچ عشاير است، تا دعواها شروع نشده، هرچه زودتر مشکل مراعات و زمينها را حل کنند».

آخرین ناطق پیش از دستور، میربهراد شهریاری، نماینده رودباران، در ابتدای سخنانش تأکید کرد که هر کس بخواند دولت را تضعیف کند، به دشمنان انقلاب کمک کرده است.

وی در بخش دیگری از سخنانش به مسئولین نهادهای انقلابی در مورد رخنه ضدانقلاب در این نهادها هشدار داد و تأکید کرد:

«هدف آنها از این بردن آرمانهای مقدس انقلاب اسلامی است».

ناطق افزود: «اگر دهستان صلاحیت ندارد، اینها را عوض کنید، اگر حاکم شرعی واجد شرایط نیست، اینها را عوض کنید. نگویید که ما نداریم. اگر نداشته باشیم، بهتر از این است که افراد بی‌صلاحیت مشغول کار باشند».

جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی به‌شنبه (فردا) تشکیل خواهد شد.

نامه گروهی از نمایندگان مجلس درباره «بابی‌ساندز» مبارز ایرلندی

۲۷ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن نامه‌ای خطاب به «مردم آزادیخواه ایرلند» از مقاومت «بابی‌ساندز» مبارز ایرلندی در زندانهای انگلیس، تمجید کردند. در این نامه از جمله آمده است: «اسطوره مقاومت، بابی‌ساندز، مرد آزادیخواهی که نماینده واقعی شما بود، بر گریز پرونده سنگین جنایات استکبار جهانی آمریکا، انگلیس و شرکایش افزود و در عین حال بخوبی رفتار هیستریک امپریالیسم در حال احتضار را نشان داد. نه تنها بابی‌ساندز، بلکه هزاران نفر هر روز قربانی فقر و جهل و جنگ تحمیلی امپریالیسم در سرتاسر جهان میشوند. از جمله در ایران انقلابی امروز شاهد بمباران مناطق مسکونی و کشتار مردم توسط رژیم فاشیستی عراق، این نوکر جدید آمریکا، هستیم».

حضور نماینده ولی امر در هیئت واگذاری انجام میشد، متوقف گردید. اکنون با توجه به نیاز شدیدی اکثریت روستائیان مستضعف به اجرای این طرح قانونی، که هنوز هم به قوت خود باقی است، مستعدی است دستور اجراء آنرا صادر فرمائید».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ اردیبهشت صفحه ۳)

پایین ترتیب اکثریت قابل توجهی از نمایندگان، از هم اکنون صراحتاً با قانون موجود موافقت خود را اعلام کرده‌اند و اجرای قطعی بند «ج»، یعنی آنچه را که معوق شده بود، خواستار شده‌اند.

بدینسان، امید فراوان هست که در روزهای آینده این فهرست ۱۰۱ نفری کاملتر شود و راه برای اجرای آن نکته که آیت‌الله بهشتی درباره «اقدام مشترک دولت و مجلس» گفته است، بیش از پیش باز گردد.

اصلاحات ارضی بنیادی یکی از هدفهای اساسی انقلاب ما، یکی از نیازهای حیاتی جامعه ما، یکی از مبرم‌ترین خواستهای مردم زحمتکش روستائی ماست. این امر تنها يك کار کشاورزی و تنها مربوط به زارعین نیست، بلکه يك امر انقلابی و در عالیترین سطح، سیاسی و مربوط به نوشتن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مربوط به همه مردم این سرزمین

است. اصلاحات ارضی صحنه یکی از جدی‌ترین نبردها در دوران بعد از انقلاب بوده و هست و به همین جهت در این دو سال و دوام پیوسته و گاه با ظفرمندی انقلاب و پیشرفت روستائیان زحمتکش و انقلابیون متعبد و آگاه همراه بوده و امر اصلاحات ارضی به فراز گرایده، و گاه لشکرچراغ زمینداران بزرگ و عمال رنکارنگ آنان موفقیت‌هایی کسب کرده و انقلاب را به عقب‌نشینی واداشته و امر واگذاری زمین و رونق انقلاب را دچار نشیب می‌کرده است.

اینک با سومین بهار آزادی، بالاخره بانگ‌آین نوید درفضای انقلابی میهنمان پراکنده میشود که نشیب تعویق بند «ج» دارد پایان میدهد و با «اقدام مشترک

اگر به خبر خیرگزاری پارس مربوط به سخنان دکتر بهشتی، پس از ملاقات با امام خمینی، خبر دیگر مربوط به نامه یکصد و يك نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اضافه کنیم، بیشتر حق خواهیم داشت به آغاز پیمودن این راه انقلابی غلبه بر مشکلات امیدوار باشیم و هفته اول اردیبهشت ۶۰ را نویدبخش يك دوران فراز قطعی، پس از يك دوران تاسف‌بار نشیب، که از آبانماه، با اعلام تعویق ناگزیر بند «ج» شروع شده بود، بدانیم.

خبر مربوط به نامه این است که، ۱۰۱ نفر نماینده مجلس نامه‌ای با مضمون زیر خطاب به امام خمینی نوشته‌اند:

«همانطور که خاطر مبارک مستحضر است، به تاسف بسیار و نگرانی فراوان، طرح مزبور به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسید و مدت چندین ماه مورد عمل قرار گرفت. اجرای این طرح نور امید در دل اکثریت محروم روستائیان مستضعف بوجود آورده بود که به علنی بند «ج» آن، که طبق خود طرح با استفاده از ولایت فقیه و با

حضور نماینده ولی امر در هیئت واگذاری انجام میشد، متوقف گردید. اکنون با توجه به نیاز شدیدی اکثریت روستائیان مستضعف به اجرای این طرح قانونی، که هنوز هم به قوت خود باقی است، مستعدی است دستور اجراء آنرا صادر فرمائید».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ اردیبهشت صفحه ۳)

پایین ترتیب اکثریت قابل توجهی از نمایندگان، از هم اکنون صراحتاً با قانون موجود موافقت خود را اعلام کرده‌اند و اجرای قطعی بند «ج»، یعنی آنچه را که معوق شده بود، خواستار شده‌اند.

بدینسان، امید فراوان هست که در روزهای آینده این فهرست ۱۰۱ نفری کاملتر شود و راه برای اجرای آن نکته که آیت‌الله بهشتی درباره «اقدام مشترک دولت و مجلس» گفته است، بیش از پیش باز گردد.

اصلاحات ارضی بنیادی یکی از هدفهای اساسی انقلاب ما، یکی از نیازهای حیاتی جامعه ما، یکی از مبرم‌ترین خواستهای مردم زحمتکش روستائی ماست. این امر تنها يك کار کشاورزی و تنها مربوط به زارعین نیست، بلکه يك امر انقلابی و در عالیترین سطح، سیاسی و مربوط به نوشتن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مربوط به همه مردم این سرزمین

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در شهر کرد به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

اعضای حزب را از نظر سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک غنا بخشیده، بلکه در شرایط پیچیده کنونی، بخش عظیمی از نیروهای مبارز و سازمانهای سیاسی را نیز از سنگلاخ ابهامات و سردرگمی‌ها بیرون آورده و جنبه نیروهای پشتیبان انقلاب را مستحکم‌تر نموده است.

سازمان حزب توده ایران در شهر کرد موفقیت‌شمار رفقای عزیز کمیته مرکزی را در اجرای وظائف خطیری که پلنوم بعدی شما محول کرده است، در این شرایط حساس، که امپریالیسم، پس‌گردگی آمریکا، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی، انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران را آماج سنگین‌ترین حملات خود قرار داده است، آرزو می‌کند.

زنده یاد حزب توده ایران، حزب‌ارزونیون طبقه کارگر ایران!

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزاری موفقیت‌آمیز هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران راه، که بحق رویدادی مهم در تاریخ حیات حزب ماست، بشما و از طریق شما همه اعضا، هواداران و دوستان حزب توده ایران شادباش میگویم و پیروزی رفقا را در انجام وظائف سترگ اجتماعی - سیاسی خود آرزو می‌کنیم.

تلاش شبانه‌روزی شما رفقای عزیز در فاصله دوپلنوم، در شرایط بفرنج کنونی کشورمان، در برخورد اصولی با انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی، که باتکیه بر سوسیالیسم علمی و الهام از روح انترناسیونالیسم پرولتری صورت می‌گیرد، برای همه اعضا، هواداران و دوستان حزب توده ایران مایه بسی مباحثات است. رهبری مدبرانه شما رفقای عزیز کمیته مرکزی نه تنها همه

کیرد، اینرا چگونه می‌توان توجیه کرد؟

حزب توده ایران قانونی است و فعالیت علنی و قانونی دارد. حزب توده ایران مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و از هیچ فداکاری برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن فروگذار نمی‌کند.

اما تأکیدات مقامات مسئول در مورد اجرای قانون، در مورد حزب توده ایران هنوز تا حد زیادی در مرحله حرف، تصمیم و اظهار نظر باقی مانده است، که نقض غرض است.

معیار صداقت در گفتار و کردار است. دفاقر حزب توده ایران را بازپس دهید!

م. از کشتارگاه ۱۰۰۰ ریال
ر. از تهران ۱۰۰۰ ریال
س. از تهران ۱۵۰۰ ریال
ق. از بابل ۵۰۰ ریال
ص. از تهران ۱۰۰۰ ریال
ص. مجاهد نوشهر ۵۰۰ ریال
ب. راننده از تهران ۵۰۰ ریال
ز. از تهران ۵۰۰ ریال
ص. از قم ۲۰۰۰ ریال

قانون را اجرا...

بقیه از صفحه ۱

اما متأسفانه پس از گذشت قریب به ۹ ماه، هنوز دفاقر حزب توده ایران و «نامه مردم» علیرغم تصمیم مقامات مسئول برای اجرای قانون، به حزب توده ایران بازپس داده نشده‌اند.

معلوم نیست زمانیکه مسئولین اجرائی کشور تصمیم می‌کنند که گروههای هوادار انقلاب «می» توانند دفتر و روزنامه داشته باشند، ولی در عمل، علیرغم مراجعات مکرر حزب توده ایران، دفاقر حزب در اختیار مآقرانمی-

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

م. از تهران ۱۰۰۰۰ ریال
ع. از تهران ۵۰۰ ریال

است. اصلاحات ارضی صحنه یکی از جدی‌ترین نبردها در دوران بعد از انقلاب بوده و هست و به همین جهت در این دو سال و دوام پیوسته و گاه با ظفرمندی انقلاب و پیشرفت روستائیان زحمتکش و انقلابیون متعبد و آگاه همراه بوده و امر اصلاحات ارضی به فراز گرایده، و گاه لشکرچراغ زمینداران بزرگ و عمال رنکارنگ آنان موفقیت‌هایی کسب کرده و انقلاب را به عقب‌نشینی واداشته و امر واگذاری زمین و رونق انقلاب را دچار نشیب می‌کرده است.

اینک با سومین بهار آزادی، بالاخره بانگ‌آین نوید درفضای انقلابی میهنمان پراکنده میشود که نشیب تعویق بند «ج» دارد پایان میدهد و با «اقدام مشترک

حضور نماینده ولی امر در هیئت واگذاری انجام میشد، متوقف گردید. اکنون با توجه به نیاز شدیدی اکثریت روستائیان مستضعف به اجرای این طرح قانونی، که هنوز هم به قوت خود باقی است، مستعدی است دستور اجراء آنرا صادر فرمائید».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ اردیبهشت صفحه ۳)

پایین ترتیب اکثریت قابل توجهی از نمایندگان، از هم اکنون صراحتاً با قانون موجود موافقت خود را اعلام کرده‌اند و اجرای قطعی بند «ج»، یعنی آنچه را که معوق شده بود، خواستار شده‌اند.

تقویت همکاری نظامی ژاپن و ایالات متحده آمریکا

ژاپن گام دیگری در راه تقویت همکاری نظامی خود با ایالات متحده آمریکا برداشته است. چنانکه فاش شده است، ژاپن تصمیم گرفته است که با همکاری آمریکا، به تولید سلاحهای جدیدی بپردازد. در جلسه‌ای که یکماه دیگر در هونولولو برگزار خواهد شد، و این برگر، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا و آهورا مدیر «اداره دفاع ملی ژاپن»، درباره همکاری دوجانبه میان دو کشور، در زمینه تولید سلاحهای پیچیده، به مذاکره خواهند پرداخت.

راهپیمائی سراسری در آمریکا علیه مداخله دولت ریگان در السالوادور

در روز یکشنبه، ۱۳ اردیبهشت ۶۰، راهپیمائی سراسری در ایالات متحده آمریکا، علیه سیاست نظامی واشینگتن و مداخلات آن در السالوادور، برگزار شد. به گفته سخنگوی سازمان «مردم علیه جنگ»، هزاران تن در این راهپیمائی شرکت کردند. برایان یکر، یکی از سازماندهندگان راهپیمائی، این تظاهرات را «نمایانگر ناخشنودی آمریکائیان از مجموع سیاست خارجی ریگان» خواند.



تظاهرات اول ماه مه در هاوانا، دهلی نو، الجزیره و کابل

۱۱ اردیبهشت، (اول مه)، روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان، در سراسر جهان، با شکوه فراوان برگزار شد. بیش از یک میلیون نفر در رژه غیرنظامی در هاوانا شرکت کردند. فیدل کاسترو و دیگر رهبران بلندیایه کوبائی نیز، دوش بدوش دیگران، در راهپیمائی حضور یافتند. دبیر کل «کانون سندیکاهای کارگری کوبا»، در سخنرانی خود، به همه خلقهایی، که در راه صلح و استقلال می‌روزمند، درود گرم فرستاد.

در هند، نخست‌وزیر ایندیرا گاندی، در پیامی به کارگران این کشور، تأکید کرد که طبقه کارگر همیشه پیشاهنگ مبارزه مردم هند در راه استقلال بوده است.

در الجزیره، پرزیدنت شانلی بن جردی، در مراسم اول ماه مه سخنرانی کرد. وی گفت که «مردم الجزایر خواستار آن هستند که کشور خود را، بر پایه «مشور ملی»، بازسازی کنند».

همچنین در کارخانه‌های گوناگون کابل گردهمایی‌هایی بمناسبت روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان برگزار شد. نور احمدنور، یکی از رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان، در سخنرانی خود در یکی از این کارخانه‌ها، خواستار «تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای صلح در منطقه و در سراسر جهان» کردید.

دریست ماه اخیر، ۱۸ هزار میهن دوست السالوادوری بهلاکت رسیده‌اند

روز شنبه، ۱۲ اردیبهشت، هواپیماها و توپخانه «خسوتای» السالوادور حملات شدید خود را به شهر «روساریو»، که بیش از یک هفته است تحت کنترل نیروهای «جبهه آزادی‌بخش ملی فارابونندو مارتی» قرار دارد، ادامه دادند. در استان «چالاتی‌فانیا»، مین‌ها در استان همه راههای عمده را قطع کردند و پنجاه نفر را منفرجه ساختند، تا بدین ترتیب، از حرکت نیروهای مسلح «خسوتای» وابسته به آمریکا جلوگیری بعمل آورند. در روز شنبه، ۱۸ میهن‌دوست دیگر السالوادوری قربانی جنایات

قشرهای وسیع مردم افغانستان به «جبهه وسیع ملی» می‌پیوندند

بیرک کارمل، رهبر حزب دمکراتیک خلق افغانستان، در مصاحبه‌ای با تلویزیون مسکو، گفت که مردم این کشور در راه پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی افغانستان کوشا هستند. وی افزود که نمایندگان همه بخش‌های سکنه افغانستان به «جبهه وسیع ملی» افغانستان می‌پیوندند. بکنته بیرک کارمل: «امپریالیسم آمریکا، برتری‌جویان چین و رژیم نظامی پاکستان میکوشند تا در افغانستان بحران بوجود آورند.» او سیاست‌گرایی خلق افغانستان را از کمک اتحاد شوروی برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی افغانستان ابراز داشت.

حال بایب سنندز در شصت و چهارمین روز اعتصاب غذا سخت به وخامت گرائید

در روز یکشنبه، ۱۳ اردیبهشت ۶۰، در سراسر ایرانشمالی تظاهرات گسترده‌ای به پشتیبانی از بایب سنندز و دیگر زندانیان بازداشتگاه «لانک کش» برگزار شد. آخرین گزارش‌ها حاکی از آنست که حال بایب سنندز، که ۶۴ روز است به اعتصاب غذای خود ادامه میدهد، سخت ناگوار شده است. بعقیده پزشکان، هر آن انتظار مرگ بایب سنندز می‌رود. بایب سنندز و دوستان او با اعتصاب غذای خود، در راه استیفای حقوق زندانیان سیاسی در «آلستر» می‌روزمند. بایب سنندز چندی پیش به نمایندگی پارلمان دوست مینیستر برگزیده شد، ولی دولت لندن، لوجهانه، از تأمین خواست‌های او و یارانش خودداری می‌ورزد.

«بایب ساندرز» مبارز جمهوری خواه ایرلند شمالی، در زیر چنگال «دمکراسی جهان آزاد!» جان می‌سپرد

طولانی، در آستانه مرگ قرار گرفته، این بی‌روزی را مظهر آزاده مردم ایرلند برای آزادی اعلام کرد و گفت:

«در حالیکه چندروز دیگر زنده نیستم، چرا باید از سمت نمایندگی خود استعفا بدهم؟»

مرد ایرلند اصرار نمایندگان حزب محافظه کار حاکم انگلیس را برای استعفا بایب ساندرز از سمت نمایندگی، نشانه صریح‌ریا کاری «دمکراسی» انگلیس ارزیابی کردند. «جرم» بایب ساندرز، که از جانب دستگاه قضایی این «مهد آزادی» به سه چهارده سال زندان محکوم شده، آنستکه برای استقلال ایرلند به مبارزه برخاسته است، در حالیکه انتخاب وی به نمایندگی مجلس عوام از جانب مردم ایرلند، حقانیت خواست این مبارز ایرلندی و خشم و نفرت عمیق مردم ایرلند را نسبت به حضور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی انگلیس در ایرلند شمالی به اثبات می‌رساند.

شیوه فاشیستی دولت تاجر برای درهم‌شکستن اراده آهنین این مبارز برجسته ایرلندی، از جانب محافل سیاسی و اجتماعی ترقیخواه جهان با موجی از اعتراض و نكوهش روبرو گردیده‌است. از جمله گروه نمایندگان کمیونسٹ پارلمان فرانسه مصرانه خواستار شده‌اند که مسئله مربوط به اعتصاب غذای بایب ساندرز، مبارز راه تأمین حقوق بشر در ایرلند شمالی، در «پارلمان اروپا» مورد بررسی قرار گیرد.

عده‌ای از زندانیان دیگر در بازداشتگاه، به‌نشانه اعتراض به دولت انگلیس و همبستگی با مبارز ایرلندی، اعتصاب غذا اعلام کرده‌اند. اعتصاب غذای بایب ساندرز به‌چنان مظهری از اعتراض در ایرلند و انگلستان تبدیل شده که دولت انگلیس را یوحشت انداخته است. از جانب دولت انگلیس در ایرلند شمالی حکومت نظامی اعلام شده و نیروهای اشغالگر انگلیسی، که متجاوز از ۳۰ هزار نفرند، به‌حال آماده‌باش درآمده‌اند.

در روزهای اخیر هواداران بایب ساندرز دست به تظاهرات زنده و عده‌ای از آنان به مدت ۹۰ دقیقه در دفتر حزب کارگر انگلیس متحصن شدند و سپس طی تظاهراتی مخالفت خود را با دولت تاجر ابراز داشتند. همزمان با این تظاهرات، متجاوز از ۲۵۰ زن و مرد و کودک در کلیسای بلغاست تحصن کردند.

ماجرای اعتصاب غذای بایب ساندرز، سند محکومیت جدید آن نظام اجتماعی است که ادامه حیاتش بر پایه دستگاه شکنجه و آدم‌کشی و قربانی کردن انسانها در مسلخ سود و سرمایه برقرار گردیده‌است.

ماجرای اعتصاب غذای بایب ساندرز، مبارز ایرلندی، که پیش از ۶۴ روز از آن می‌گذرد، توجه افکار عمومی جهان را به‌خود جلب کرده‌است. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به‌نشانه اعتراض به شرایط زیست در زندان و رفتار ماموران زندان نسبت به زندانیان، از رویدادهای عادی در کشورهای سرمایه‌داری است و اخبار و گزارشهای مربوط به چنین رویدادهائی، بطور گذرا در مطبوعات و رسانه‌های گروهی انعکاس می‌یابد.

اما جریان اعتصاب غذای بایب ساندرز از چارچوب یک رویداد عادی فراتر رفته و به‌نمایانگر برجسته پایمال کردن گستاخانه و خشونت‌آمیز ابتدائی‌ترین موازین و حقوق دمکراتیک در کشور و در نظامی تبدیل گشته، که خود را «مهد دمکراسی و آزادی» و یکی از کانونهای عمده «جهان آزاد» می‌نامد! اعتصاب غذای بایب ساندرز و واکنش دولت انگلیس در برابر آن، بار دیگر از چهره آن نظام فرتوتی که نقاب «دمکراسی و آزادی» بر خود زده، برمیگردد و تمام زشتی و ناهنجاری آنرا در برابر خلقهای جهان عریان می‌سازد. این چهره بی نقاب، با تمام کراهت و ناهنجاری خود، دوران سیاه طاعون فاشیستی را در خاطر ها زنده میکند.

سرنوشت بایب ساندرز نشان میدهد که هر کجا پای منافع آزمندانه جهانخواران و صاحبان زر و زور بماند، می‌آید، و در هر کجا که خلقی برای رسیدن به استقلال و آزادی و حقوق ملی خود دست به پیکار می‌زند، چنگال فاشیسم خونخوار از زیر پرده ریب و ریای «دمکراسی» و «آزادی» جهان سرمایه‌داری به سوی حلقوم آن دراز میشود.

حوادثی که در جریان اعتصاب غذای بایب ساندرز اتفاق افتاده، رویارویی جبهه مقاومت خلقومبارزان راه استقلال، آزادی و حقوق ملی را با جبهه ارتجاع سیاه فاشیستی در یکی از کانونهای «آزادی» و «دمکراسی» جهان آزاد! نشان می‌دهد، که دامنشانه‌ترین شیوه‌های آدم‌کشی را در نقض ابتدائی‌ترین حقوق بشر بکار گرفته و قربانی خود را در زیر فشار چنگال خونبار خویش خفه میکند. آری، بایب ساندرز نه اولین و نه آخرین قربانی دیو خون‌آشام امپریالیسم است که آخرین لحظات زندگی را میگذراند.

مردم ایرلند در چهل و دومین روز اعتصاب غذای بایب ساندرز، مبارز ایرلندی، در زندان انگلیس، او را به‌عنوان نماینده خود در پارلمان انتخاب کردند و با این اقدام، اعتراض و خشم و نفرت خود را نسبت به سیاست اشغالگرانه دولت انگلیس نشان دادند. بایب ساندرز، که بر اثر اعتصاب غذای

چرا فروش «نامه مردم» در سنج ممنوع است؟

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سنج در نامه‌ای به تاریخ ۲۹ فروردین ۶۰، به دادستان این شهرستان، از وی خواست که علت ممنوعیت فروش «نامه مردم» در سنج را روشن کند. در این نامه آمده است:

۱- آیا واقعیت دارد که بخشنامه‌ای از جانب دادگاه انقلاب اسلامی سنج مبنی بر ممنوعیت فروش روزنامه «نامه مردم» برای ارگان‌های اجرائی صادر شده است؟

۲- اگر مطلب فوق واقعیت ندارد، برای جلوگیری از اعمال قانون‌شکنانه و رفع ممانعت‌های غیرقانونی، که بنام دادگاه انقلاب اسلامی سنج، در راه فروش روزنامه «نامه مردم» صورت میگیرد، از طریق رسانه‌های گروهی اعلام دارند که رای آن دادگاه نسبت به فروش «نامه مردم»، با توجه به اطلاعیه مورخ ۱۹ اردیبهشت ۶۰ دادستان کل انقلاب چگونه است؟

۳- با توجه به اینکه همه جرایم قانونی از يك ارگان جمهوری اسلامی ایران یعنی وزارت ارشاد اسلامی، امتیاز و اجازه انتشار میگیرند، و اگر شرایط کردستان برای یکی مناسب نباشد، برای سایرین نیز مناسب نخواهد بود، و با در نظر گرفتن اینکه هیچگونه استثنائی در اطلاعیه دادستان کل انقلاب، مورخ ۱۹ اردیبهشت ۶۰، در مورد استان‌های مختلف کشور وجود ندارد، لذا نظرشان را نسبت به رفتار غیرقانونی جلوگیری از فروش روزنامه «نامه مردم» بیان دارند.

حملات مکرر به هواداران حزب توده ایران در کرمان

چندتن از هواداران حزب توده ایران در شهر کرمان، هنگام نصب گفته‌هایی از «امام خمینی» بروی دیوار شهر، مورد حمله عناصر مشکوک قرار گرفتند و بشدت مجروح شدند. این چندمین بار است که هواداران حزب توده ایران در کرمان بطور مشابهی مورد حمله قرار میگیرند. این حملات توسط سه نفر سرشنینان يك پیکان قهوه‌ای رنگ بدون پلاک صورت میگیرند.

ماضمن اعتراض شدید به این اعمال ضدانقلابی و غیرقانونی، از مقامات انتظامی شهر، که قول رسیدگی به این وقایع را داده‌اند، می‌خواهیم که با این اعمال و این افراد هر چه زودتر و قاطعانه‌تر برخورد کنند.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم